



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems in Iran
E-ISSN: 2645-7539
Vol. 12, Issue 2, No.41, Summer 2023, pp. 53-80
Received: 12.05.2023 Accepted: 18.11.2023

Research Paper

Pathology of Poverty Reduction of Imam Khomeini's Relief Committee (Case Study: Beneficiaries Covered in Tangestan City)

Samad Beheshti* 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran
sbeheshty@yu.ac.ir

Arman Haydari

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran
alheidari2011@yu.ac.ir

Hassan Zahedi

MA. in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran
hassanzahedi12@gmail.com

Introduction

In today's world, poverty continues to pose a significant challenge for numerous countries globally. Its adverse impact on various facets of society, including economic growth, social well-being, and human development, hinders endeavors toward sustainable progress, particularly in developing nations like Iran. Disturbing statistics reveal an unfortunate trend where not only is poverty steadily increasing overall in Iran, but it is also specifically on the rise within rural areas. Each passing year sees more people struggling to make ends meet and turning to charitable organizations for assistance. The establishment of the Imam Khomeini Relief Committee in February 1978 was a pivotal step toward addressing poverty and implementing measures to alleviate it. The organization's primary objective is to support deprived and needy individuals across Iran with the ultimate goal of eradicating poverty from the society. Assessing the effectiveness of this committee's policies is crucial for achieving its mission, especially considering its work in various rural areas throughout the country. Therefore, this research aimed to evaluate the success of these efforts thus far.

Materials and Methods

This study employed both qualitative and conceptual analysis methods to gather the necessary data. Data were obtained through document examination and interviews conducted with 23 clients and 5 informants of the relief committee. The research was conducted in rural Tangestan City situated within Bushehr Province with a focus on clients meeting specific criteria, such as having a household head younger than 50 years old, who was fully able-bodied, receiving support from the relief committee for at least 3 years, and being entirely financially dependent on the aid provided by the committee.

Through a conceptual analysis of the interviews, 5 primary themes emerged regarding the evaluation of poverty alleviation policies established by the aid committee. These main themes included the following:

The theme of inadequate institutional performance highlighted the insufficient capability of current institutions in promoting economic development while simultaneously reducing poverty and inequality. This theme encompassed 3 sub-themes: failure to cater to basic client needs, overpricing clients through inflation, lack of transparency, and administrative corruption. Therefore, regular institutional improvements were required to increase participation levels, enabling progress within the society.

*Corresponding author

Beheshti, S., Haydari, A., & Zahedi, H. (2023). Pathology of poverty reduction of imam khomeini's relief committee in rural areas (Case Study: beneficiaries covered in Tangestan City). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 12(2), 53-80.

2645-7539 / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2023.137606.1901>

The theme of macroeconomic instability of society comprised 3 sub-themes: the inflationary economic structure of the society, financial obstacles related to banking, and the committee's weak finances coupled with ineffective communication practices towards other institutions. The current state had been primarily brought about due to Iran's economy heavily relying on oil for sustenance, along with a persistently high double-digit inflation rate over 4 decades.

The theme of acceptance of the culture of poverty emerged from 3 sub-themes: the absence of social empowerment for clients, a culture that accepted and perpetuated poverty, and a lack of demands made by clients to their committee. The sustained conditions faced by these individuals over time had fostered feelings of fatalism and learned helplessness, ultimately impeding progress towards alleviating poverty.

The underlying message of the theme of lack of effective facilitation programs was based on the fact that the relief committee's programs suffered from inadequacies in both quantity and quality, along with unequal distribution of opportunities and privileges. Moreover, there appeared to be a lack of effective employment strategies due to insufficient

rural self-employment plans and short-term objectives by the relief committee.

Discussion of Results & Conclusion

This study revealed that the relief committee's efforts to reduce poverty in rural areas were inadequate across various sectors. In addition to implementing necessary economic reforms, the Imam Khomeini's Relief Committee must address banking barriers and correctly identify those truly in need of aid. Effective supervision of charitable institutions, increased community involvement through communication with other government agencies, encouragement of workforce development programs, and social counseling services are also recommended actions toward improving poverty alleviation outcomes. This research showed that while individual factors play a role in perpetuating cyclical poverty at micro-levels, more important are structural issues that determine success or failure when addressing policies related to reducing such inequalities within these communities.

Keywords: Imam Khomeini's Relief Committee, Poverty Reduction, Empowerment, Tangestan



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران


سال دوازدهم، شماره پیاپی (۴۱)، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲، ص ۵۳-۸۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

مقاله پژوهشی

آسیب‌شناسی سیاست‌های فقرزدایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در مناطق روستایی (مورد

مطالعه: مددجویان تحت پوشش در شهرستان تنگستان)

سید صمد بهشتی* ، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

sbeheshty@yu.ac.ir

آرمان حیدری، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

alheidari2011@yu.ac.ir

حسن زاهدی، دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج،

ایران

hassanzahedi12@gmail.com

چکیده

هدف: با توجه به اینکه رسالت اصلی کمیته امداد امام خمینی (ره)، از بین بردن فقر در جامعه و حمایت از قشر محروم در مناطق مختلف کشور است، ارزیابی میزان اثربخشی و کارایی سیاست‌های اتخاذشده این سازمان در جهت فقرزدایی و توانمندسازی مددجویان تحت پوشش در مناطق روستایی، انگیزه انجام این پژوهش است. روش: این پژوهش با استفاده از روش کیفی و شیوه تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مطالعه اسناد و مدارک و نیز ابزار مصاحبه با ۲۳ نفر از مددجویان تحت پوشش و ۵ نفر از مطلعان کمیته امداد به دست آمده است. میدان این تحقیق، مددجویان تحت پوشش در مناطق روستایی شهرستان تنگستان در استان بوشهرند. یافته‌ها: با تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها، ۵ تم اصلی در ارزیابی سیاست‌های فقرزدایی کمیته امداد شناسایی شد که شامل عملکرد نامناسب سازمانی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان جامعه، پذیرش فرهنگ فقر، فقدان برنامه‌های تسهیلگری کارآمد و کمبود الگوهای بهینه اشتغال‌اند. نتیجه‌گیری: پژوهش نشان داد عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی، در بخش‌های مختلف مناسب نیست و نیاز است جدای از اصلاحات اقتصادی ضروری در کل جامعه، کمیته امداد امام خمینی نیز با رفع موانع بانکی، شناسایی مناسب نیازمندان واقعی، نظارت بر عملکرد مؤسسات خیریه، جذب مشارکت‌های مردمی، برقراری ارتباط مناسب با دیگر نهادهای دولتی، ترویج روحیه کار، برگزاری دوره‌های آموزش شغلی و مشاوره اجتماعی و ایجاد الگوهای بهینه اشتغال، در راستای فقرزدایی از این مناطق، مؤثرتر عمل کند. براساس اطلاعات به دست آمده در این تحقیق، هرچند عوامل فردی و سطح خرد در تداوم چرخه فقر مؤثرند، اما عوامل ساختاری، تأثیر بسیار جدی‌تری در موفقیت و یا ناکامی سیاست‌های فقرزدایی دارند.

واژه‌های کلیدی: کمیته امداد امام خمینی، فقرزدایی، توانمندسازی، تنگستان..

* نویسنده مسئول

بهشتی، س.ص.؛ حیدری، آ. و زاهدی، ح. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی سیاست‌های فقرزدایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در مناطق روستایی (مورد مطالعه: مددجویان تحت پوشش در شهرستان تنگستان). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۲)، ۵۳-۸۰.



مقدمه

آن محروم بوده‌اند.

حذف بی‌عدالتی و برقراری عدالت اجتماعی در نظام‌های آرمان‌گرایی چون جمهوری اسلامی ایران، که کشوری مبتنی بر مکتب اسلام است، در مقایسه با دیگر کشورها، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در همین راستا دولت ایران، اقدامات گسترده‌ای را از قبیل آموزش و بهداشت رایگان، گسترش نظام تأمین اجتماعی و بسط کمک‌های حمایتی برای فقرزدایی به عمل آورده است؛ اما تلاش‌ها و اقدامات انجام‌گرفته، نتوانسته‌اند از تبدیل شدن معضل فقر به چالش بزرگ اجتماعی و سیاسی جلوگیری کنند، به طوری که موضوع فقر در میان خانوارهای ایرانی، همچنان پدیده‌ای جدی است. این پدیده در خانوارهای روستایی نیز، رواج داشته است و روند افزایشی در سطح جامعه روستایی دارد (شکور و همکاران، ۱۳۹۵).

میان تعریف‌های بسیار متنوع از فقر، دو گرایش مهم و اساسی وجود دارد. از یک دیدگاه، فقر تنها بر پایه میزان درآمد تعریف می‌شود؛ اما از دیدگاهی دیگر، فقر برحسب معیارهای مختلف تعریف می‌شود که عموماً با پیامدها و آثار فقر مرتبط است. از دیدگاه اخیر، فقر به معنای احساس فاقد قدرت بودن، ناکامی، سرخوردگی، فرسودگی و طرد از تصمیم‌گیری است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۶). در دنیای کنونی، فقر خود را به صورت‌های مختلفی به نمایش می‌گذارد و امروزه به یک جنبه از زندگی محدود نمی‌شود.

براساس آخرین گزارش پایش فقر در سال ۱۳۹۹، برآوردها نشان می‌دهد خط فقر در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸، رشد ۳۸ درصدی داشته و به عدد ۱ میلیون و ۲۵۴ هزار تومان سرانه در ماه رسیده است. بر این اساس خط فقر یک خانوار سه و چهار نفره به ترتیب ۲ میلیون و ۷۵۸ و ۳ میلیون و ۳۸۵ هزار تومان خواهد بود. با رشد شدید خط فقر طی ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، نرخ فقر از ۲۲ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است، یعنی در سال ۱۳۹۸ ۳۲ درصد از جمعیت کشور، معادل ۲۶٫۵ میلیون نفر زیر خط

امروزه فقر یکی از مسائلی است که بیشتر کشورهای جهان با آن روبه‌رویند. فقر یک مانع بزرگ بر سر راه برنامه‌های توسعه پایدار در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی در کشورهای مختلف و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران است. آثار فقر در مناطق روستایی، به دلیل کمبود دسترسی به امکانات لازم و نیز کمبود درآمد افراد ساکن در روستا، بیشتر است و لزوم انجام سیاست‌های فقرزدایی به‌وسیله برنامه‌های حمایتی از طرف دولت و همچنین نهادهای خیریه، برای کاهش آسیب‌های ناشی از فقر در این مناطق، وجود دارد.

واژه فقر به معنای نداری، تهیدستی و تنگدستی است؛ ولی مفهوم عام آن به حالتی گفته می‌شود که نیازهای فطری و طبیعی انسان تأمین نشود. با توجه به نیازهای مزبور، فقر ابعاد مختلفی دارد، نظیر فقر معنوی، عاطفی و روحی، فرهنگی، سیاسی، رفاهی و خدماتی، اقتصادی و غیره. یکی از وجوه مشترک بین تمام برداشت‌های موجود درباره فقر، تصور فقدان یا کمبود است (کتابی، ۱۳۹۰: ۸۴).

کسانی که از دید اقتصادی به این پدیده می‌نگرند، عمدتاً فقر را به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم می‌کنند، ولی این پدیده از سوی جامعه‌شناسان، معنای شایسته‌تری به خود می‌گیرد: «فقر بیش از هر چیز، به معنای وابستگی است و فقیران واقعی کسانی هستند بی پایگاه و بی منزلت، بی طبقه و بی قدرت» (ادیبی و بهشتی، ۱۳۸۹: ۳۹۳).

امروزه عمومی‌ترین و مؤثرترین شیوه فقرزدایی، توانمندسازی^۱ فقرا برای آماده‌کردن آنها به جهت حضور در فعالیت‌های اقتصادی و کسب مشاغل پایدار است. توانمندسازی از طریق آموزش‌های کاربردی، فقرا را مهیای ورود به بازار کار می‌کند. اشتغال، مؤثرترین شیوه فقرزدایی است؛ به‌ویژه اگر این اشتغال، پایداری و ثبات لازم را داشته باشد. کسب شغل، به آموزش‌های متناسب نیاز دارد که فقرا از

^۱ Empowerment

ارتقای کمی و کیفی خدمات حمایتی پایه، اعم از مسکن، آموزش و معیشت نیازمندان، ترویج فرهنگ انفاق، ایثار و نیکوکاری و نشر سنت‌های حسنه اسلامی و در نهایت تلاش مستمر برای مردمی‌شدن فعالیت‌های مربوط به انجام حمایت‌های مادی و معنوی از محرومان و دیگر موارد مطرح شده در ماده ششم اساس‌نامه کمیته مذکور انجام شده است (اساس‌نامه کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴).

بنا بر آخرین آمار منتشرشده در سالنامه آماری سال ۱۳۹۸، کمیته امداد امام خمینی (ره) در سال ۱۳۹۸، نزدیک به ۵ میلیون نفر را در قالب ۲ میلیون خانوار در کشور، تحت پوشش خود قرار داده است. میزان فقر مطلق در سال ۱۳۵۶ حدود ۴۶ درصد بوده و با فعالیت‌های کمیته امداد و پوشش کامل دهک‌های پایین جامعه، این میزان به حداقل رسیده است. در ۴۰ سال گذشته، وضعیت رفاهی مردم به میزان چشمگیری افزایش یافته است که بخشی از آن، محصول برنامه‌های ویژه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی است. کمیته امداد ۱۴۲ هزار طرح اشتغال و ۲۰ هزار فعالیت‌کاریابی را انجام داده است که سهم مناطق روستایی ۸۵ هزار طرح بوده است؛ در نتیجه ۱۱۵ هزار خانواده تحت پوشش در کشور خودکفا و از حمایت این نهاد خارج شده‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

از جمعیت یک میلیون و ۱۶۲ هزار نفری استان بوشهر، نزدیک به ۸۱ هزار نفر، معادل ۷ درصد از جمعیت کل استان زیر پوشش این نهاد حمایتی‌اند. اگرچه از سال ۱۳۹۴ به بعد، سالانه ۱۰ درصد از جمعیت مددجویان استان بوشهر با اجرای برنامه‌های توانمندسازی، از چرخه زیر پوششی کمیته امداد خارج می‌شوند، در مجموع ۵۰ درصد به جمعیت زیر پوشش این نهاد افزوده شده است. تعداد مددجویان تحت پوشش این نهاد تا سال ۱۳۹۶، ۲۹ هزار خانوار بوده و با افزایش ۱۴ هزار خانواری، این آمار به ۴۳ هزار خانوار در سال ۱۳۹۹ رسیده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸)، به طوری که این تعداد در سال ۱۴۰۱ به ۸۹۹۰۴ نفر و یا ۴۲۵۹۶ خانوار افزایش پیدا کرده است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱). شهرستان تنگستان، یکی از

فقر قرار دارند. خط فقر در مناطق روستایی، اختلاف معناداری با مناطق شهری دارد. نکته درخور توجه درباره مقایسه خط فقر روستایی و شهری آن است که خط فقر روستایی در تابستان ۱۳۹۸ نسبت به مدت مشابه سال قبل، رشد بیشتری را در مقایسه با خط فقر شهری داشته است. این موضوع افزایش شدت فقر را در این مناطق نشان می‌دهد (شهیدی و کاویانی، ۱۴۰۰:۳۰).

خط فقر متوسط کشوری در سال ۱۴۰۰، به طور سرانه یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان بوده است که این عدد برای یک خانوار چهار نفره برابر ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود، یعنی درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق در کشور، در سال ۱۴۰۰ برابر ۳۰،۴ درصد بوده است. نرخ فقر در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، مقدار ۰،۹ درصد کاهش یافته و باعث شده است تا حدود ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت فقرا کاسته شود. به طور کلی، نرخ فقر از سال ۱۳۸۵ با ۱۵ درصد، روند فزاینده‌ای داشته و از سال ۱۳۹۷ به بعد، به بالای ۳۰ درصد رسیده است. شکاف فقر که فاصله فقرا را تا خط فقر اندازه‌گیری می‌کند، در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، به بالاترین مقدار خود، یعنی حدود ۲۷ درصد رسیده است (کاویانی و همکاران، ۱۴۰۲).

کمیته امداد امام خمینی (ره)، نهادی است که امام خمینی (ره) آن را در اسفند ۱۳۵۷ با هدف سامان‌دهی و رسیدگی به وضعیت معیشت امور محرومان و نیازمندان کشور تأسیس کرد. آغاز و استمرار فعالیت کمیته امداد امام خمینی (ره)، با تمرکز بر امداد رسانی و حمایت از افراد خانواده‌های نیازمند، با رعایت کرامت انسانی و عزت نفس آنان، حمایت هدفمند از ایشان و ترویج فرهنگ کار در میان افراد و خانواده‌های تحت پوشش، تلاش برای پیشگیری از تولید نظام‌یافته فقر در کشور، کمک به بهبود فضای کسب‌وکار و اشتغال پایدار اقشار نیازمند، ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی در جهت توانمند کردن نیازمندان، شامل توسعه پوشش بیمه اجتماعی، فراگیر کردن بیمه درمان و

به‌عنوان نمونه انتخاب و از طریق پرسش‌نامه فقرسنجی محقق ساخته بررسی شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که پاسخگویان از نظر پارامترهای اقتصادی و اجتماعی، هنوز خود را فقیر می‌دانند و تنها از نظر پارامتر فرهنگی فقیر به حساب نمی‌آیند. اگرچه کمیته امداد تا حدودی توانسته است در برخی از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌های رشد را در بین روستائیان تحت پوشش فراهم آورد، نتوانسته است فقر را به‌طور محسوسی در بین آنان کاهش دهد و یا آن را از بین ببرد.

ثقفی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) در فقرزدایی، اشتغال‌زایی و توسعه روستایی (مورد مطالعه: دهستان تیمورآباد شهرستان هامون)» انجام دادند که این پژوهش با هدف بررسی عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی، اشتغال‌زایی بر توسعه روستاها انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق، افراد تحت پوشش روستاهای دهستان تیمورآباد، واقع در شهرستان هامون‌اند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که علل فقر در بین افراد مددجو متفاوت است. از مهم‌ترین عوامل ایجاد آن، کمبود سرمایه است و همچنین نتایج حاکی از آن است که کمیته امداد با ایجاد نقش بارز خود در طرح‌های خودکفایی و ایجاد اشتغال، توانسته است عملکرد مثبتی در زمینه ایجاد اشتغال و کاهش فقر در بین محرومان مطالعه‌شده در بخش تیمورآباد شهرستان هامون داشته باشد.

محمدپور و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهر ساری» انجام دادند. در این مطالعه، با استفاده از روش‌شناسی کیفی، فنون مشاهده و مصاحبه با اطلاع‌رسان‌ها و ۲۵ نفر از افراد تحت پوشش این دو سازمان، در کنار مطالعه اسناد و مدارک، داده‌ها نیز گردآوری شد؛ سپس با روش تحلیل تماتیک یا موضوعی، داده‌ها و یافته‌های گردآوری‌شده تحلیل شدند. نتایج این پژوهش کیفی نشان داد با وجود تلاش‌های فراوان این دو

شهرستان‌های استان بوشهر و مرکز آن، شهر آهرم است. براساس آخرین سرشماری، جمعیت این شهرستان ۷۰۶۷۶ نفر است که حدود ۷۰ درصد روستائین‌اند. آمار جمعیت تحت حمایت کمیته امداد در شهرستان تنگستان، ۴۲۰۰ خانوار با جمعیت ۷۳۵۰ نفر، اعم از روستاها و سه شهر اهرم، دلوار و آباد است که ۷۰ درصد از مددجویان در روستاها و ۳۰ درصد در شهر سکونت دارند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱).

براساس مطالب مذکور و نیز آمارهای موجود، نه‌تنها تعداد مددجویان این نهاد کاسته نشده است، هر ساله به تعداد آنها نیز افزوده شده است و این امر مشخصاً در تقابل با هدف تأسیسی این سازمان قرار دارد. بی‌شک عوامل متعددی در بروز این وضعیت دخالت داشته‌اند که تحت کنترل این کمیته نیستند، اما شایسته است سیاست‌های تعیین و اجراشده کمیته امداد و میزان موفقیت این سازمان در توانمندکردن و رهایی‌دادن مددجویان از فقر، ارزیابی شود. اهمیت امر، انگیزه اصلی این تحقیق بوده است.

در رابطه با ارزیابی سیاست‌های فقرزدایی در ایران و جهان، تحقیقاتی انجام شده است که در ادامه برخی از آنها بررسی می‌شود.

نیکبخت (۱۳۹۹)، پژوهشی را با عنوان «بررسی اثرات کمیته امداد حضرت امام (ره) بر اشتغال‌زایی و رفع محرومیت در روستاها» انجام داد. در این پژوهش، جامعه آماری مطالعه‌شده، مددجویان روستایی تحت پوشش در روستاهای شهرستان رشت‌خوارند که با تنظیم پرسش‌نامه و نمونه‌گیری، آثار و اقدامات کمیته امداد را در محدوده مطالعه‌شده سنجیده‌اند. مطالعات انجام‌شده در محدوده مطالعه‌شده، حاکی از آن است که اقدامات کمیته امداد در بحث اشتغال‌زایی و خودکفاکردن مددجویان نواحی روستایی، مثبت بوده است.

شکور و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «سنجش عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی، با تأکید بر پارامترهای توسعه (مورد مطالعه: شهرستان شیراز)» انجام دادند. ۳۶۳ نفر از مددجویان تحت پوشش کمیته امداد شیراز،

دارد. توانمندسازی اقتصادی برنامه توسعه ملل متحد (وام کشاورزی، تسهیلات اعتباری، تهیه کود)، به‌طور درخور توجهی با کاهش فقر مرتبط است. این مطالعه توصیه می‌کند که استراتژی کاهش فقر در نیجریه باید بیشتر بر آموزش فقرا از طریق ظرفیت‌سازی، آموزش و کسب مهارت تمرکز کند و سیاست‌های اقتصادی دولت باید در جهت ایجاد اشتغال باشد. علاوه بر این، باید به نیازهای اقشار حاشیه‌نشین، محروم و آسیب‌پذیر جامعه، از جمله زنان نیز در جهت توانمندسازی و خودکفایی‌شان، توجه ویژه شود.

ایماوان و پورواتنو^۳ (2020)، پژوهشی را با عنوان «تأثیر صندوق روستایی بر کاهش فقر در دهکده‌های اندونزی» انجام دادند. از این ارزیابی مشخص شد که در حال حاضر توسعه امکانات روستایی، زیربنایی و برنامه توانمندسازی جامعه افزایش یافته است، اما صندوق روستا هنوز هم در تساوی و استفاده از این صندوق، مشکل دارد. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد صندوق روستا در توسعه امکانات روستایی، زیربنایی و برنامه توانمندسازی جامعه، موفقیت آمیز عمل نکرده و نقشی در کاهش فقر در روستاها نداشته است.

دافورسا و هاندرا^۴ (2019)، پژوهشی را با عنوان «تجزیه و تحلیل مدیریت صندوق روستا در کاهش فقر در منطقه پاسامان، سوماتای غربی» انجام دادند. داده‌های تحقیق از خدمات اجتماعی و دولت منطقه ای پاسامان ریجنسی، در سال‌های ۲۰۱۶_۲۰۱۸ به دست آمده است. نمونه این تحقیق، ۳۷ روستا در مرکز پاسامان در ۱۲ منطقه فرعی است. تحقیق با استفاده از روش رگرسیون داده‌های پانل انجام شد. نتایج نشان داد سیاست‌گذاری استفاده از صندوق‌های روستایی و سیاست‌های توسعه زیرساخت‌ها، در کاهش فقر در پاسامان مؤثرند.

ژی ژو و همکاران^۵ (2019) پژوهشی را با عنوان «کاهش هدفمند فقر و اقدامات آن در روستاهای چین: مطالعه موردی:

سازمان حمایتی، بسیاری از اهداف و شاخص‌های کاهش فقر در میان زنان سرپرست خانوار، برآورده نشده است. نگاه ساختاری به فقر، تمرکز بر انبساط سازمانی، تعریف‌نکردن اهداف بلندمدت معطوف به فقرزدایی، حمایت‌های جزئی و کم‌تأثیر، کم‌توجهی به ابعاد ذهنی و فرهنگی، تولید و بازتولید فقر و فرهنگ مرتبط با آن، از جمله موانع دستیابی این سازمان‌ها به کاهش مؤثر فقرند.

با مطالعه وضعیت اسکان مجدد مهاجران فقیر، به‌عنوان یک استراتژی کاهش فقر در سریلانکا، مشخص شد هرچند سیاست اسکان مجدد برای کاهش فقر انجام می‌شود، ولی این‌گونه اسکان‌ها برای فقرا و به‌ویژه زنان، پیامدهای منفی روحی و روانی دارد و آنها در حین و پس از اسکان مجدد، مشکلات روانی بسیاری را تجربه می‌کنند و سلامتشان به خطر می‌افتد، به‌طوری که این وضعیت به مرور زمان با دریافت دیگر امکانات معیشتی و بهداشتی، به تدریج کاهش پیدا می‌کند؛ بنابراین هرگونه تغییر در وضعیت فقرا در راستای فقرزدایی، باید همه‌جانبه باشد و به وضعیت فقرا در مواجهه با آنها توجه شود.

فارینلا و بامبانگ^۱ (2023) با انجام فراتحلیلی بر سیاست‌های انجام‌شده در راستای فقرزدایی در اندونزی بیان کردند که لازمه رسیدن به توسعه پایدار و کاهش فقر، مستلزم ترکیبی از رشد اقتصادی، برنامه‌های هدفمند کمک‌های اجتماعی و تلاش برای بهبود آموزش، بهداشت و دیگر خدمات اساسی است و برای پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه‌جا، چون اندونزی و دیگر کشورها، باید استراتژی‌هایی را اتخاذ کنند که به علل ریشه‌ای فقر رسیدگی کند.

آجر و همکاران^۲ (2023) در مطالعه سیاست‌های مبارزه با فقر سازمان ملل متحد در نیجریه، نشان دادند بین توسعه زیرساختی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (راه‌های متحرک، تولید انرژی و تأمین آب) و فقرزدایی، رابطه معناداری وجود

³ Imawan & Purwanto

⁴ Daforsa and Handra

⁵ zhiGuo et al.

¹ Farnillah & Bambang

² Ajor et al.

یک دسته‌بندی کلی، دیدگاه‌های تبیین‌کننده فقر در قالب دیدگاه فرهنگی، موقعیتی، رابطه‌ای و اقتصادی دسته‌بندی می‌شود. همچنین در مقابل، برخی از نظریه‌های توانمندسازی به‌عنوان راهکاری شناخته‌شده برای برون‌رفت از چرخه فقر نیز وجود دارد. در ادامه برخی نظریه‌ها و دیدگاه‌های تبیین‌کننده فقر و توانمندسازی را بررسی می‌کنیم.

دیدگاه فرهنگی

براساس دیدگاه فرهنگی، فقرا و محرومان از الگوهای رفتاری و ارزشی خاصی پیروی می‌کنند که با الگوهای موجود در جامعه و فرهنگ غالب، متفاوت است. این الگوها و ارزش‌ها به مرور از نسلی به نسل دیگر منتقل و به شکل‌گیری یک «خرده‌فرهنگ^۱» منجر می‌شوند. خصلت‌ها و ویژگی‌های این خرده‌فرهنگ به‌گونه‌ای است که سبب می‌شود افراد وابسته به این خرده‌فرهنگ، شرایط خاصی را داشته باشند که با طبقه و شرایط اقتصادی آنها در ارتباط است (افروغ، ۱۳۷۹).

در این نگرش، دیدگاه‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: دیدگاه «فرهنگ فقر» لوئیس^۲، دیدگاه «منش ناقص» شایلر^۳ و نظریه کنش متقابل نمادین. لوئیس فرهنگ فقری را پدید آورد که در اصل با عنوان «خرده‌فرهنگ فقر» نام‌گذاری شده است. نظریه فرهنگ فقر بر این مبناست که تطبیق با شرایط ساختاری و اقتصادی فقر، ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی انحرافی را ترویج می‌دهد و به سهم خود، به‌عنوان موانعی برای غلبه بر فقر عمل می‌کند. زمانی که یک فرهنگ فقر ظهور می‌یابد، به‌واسطه انتقال ویژگی‌هایش به نسل آینده، بازتولید می‌شود. چنین چشم‌اندازی، به این نتیجه‌گیری منجر می‌شود که قدرت راه‌حل‌های اقتصادی برای پایان دادن به فقر، محدودند (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۸: ۴۵۷).

شیلر چشم‌انداز فرهنگی به فقر را با عنوانی به نام «منش ناقص» معرفی می‌کند. فقر از این نظر، نتیجه طبیعی نقایص

شهرستان فویینگ، استان هبی» انجام دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد برای کاهش هدفمند فقر در مناطق روستایی چین، باید اقداماتی انجام شود، نظیر یاری‌رسانی که به کمک واقعی نیاز دارند، شناسایی دقیق و کمک به خانواده‌های فقیرنشین، مدیریت دقیق اشیاء و اقدامات و ارزیابی دقیق اثر اقدامات ضد فقر. شیوه‌های کاهش هدفمند فقر در شهرستان فویینگ، عمدتاً شامل توسعه صنعتی، کمک به اسکان مجدد، توسعه مالی و آموزشی، همراه با امنیت پزشکی و ادغام اراضی است که همگی سازوکاری درون‌زا و پایدار ایجاد کرده و به توسعه منطقه‌ای منجر شده‌اند.

وجه تفاوت این پژوهش آن است که نه تنها تکرار پژوهش‌های قبلی نیست، به‌دنبال ارزیابی جامعه‌شناختی از تأثیرگذاری سیاست‌های فقرزدایی کمیته امداد امام خمینی (ره) بر جنبه‌های مختلف زندگی مددجویان است که این مهم، از طریق انجام مصاحبه با مددجویان و مطلعان این نهاد حمایتی، به دست می‌آید. محقق تلاش کرده‌اند تا سیاست‌های مختلف اعمال‌شده این نهاد حمایتی را در فقرزدایی، به‌طور عمیق بررسی کنند؛ این چیزی فراتر از جمع‌آوری صرف داده‌ها و تحلیل آماری آنهاست. عمده تحقیقات داخل و خارج از کشور، که در سطور قبل معرفی شدند، به روش کمی انجام شده است، ولی در بررسی و تحلیل سیاست‌های فقرزدایی، به‌ویژه در مناطق روستایی، این روش کاستی‌هایی دارد و شمولیت و عمق کافی برای بررسی این موضوع را ندارد. ضمن اینکه این نخستین بار است که نتیجه خدمات کمیته امداد در استان بوشهر و شهرستان تنگستان به‌صورت کیفی بررسی می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

هرچند این تحقیق به شیوه استقرایی انجام شده است و به بررسی نظریه‌ها برای تعریف مدل و متغیرهای تحقیق نیازی ندارد، ولی با هدف آشناسدن با پیشینه این موضوع، برخی از نظریه‌های تبیین‌کننده فقر و توانمندسازی بررسی می‌شود. در

¹ Subculture

² Lewis

³ Shailer

بیرونی، مقوله‌ای ربطی نشان دهد. در این دیدگاه، کنش فردی انسان‌ها و نگرش دیگران به آنها مطرح و اثبات می‌شود که هر دوی این کنش‌ها در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی آنها مؤثرند. به عقیده «واکسمن»^۳، این چشم‌انداز بر پایه درک موقعیت فقر در چارچوب ساخت اجتماعی، نگرش‌ها و اعمال غیر فقیر نسبت به فقیر و تأثیرهای این نگرش‌ها و کنش‌ها بر فقر استوار است. «زیمل»^۴ در این باره می‌گوید: «یک شخص زمانی فقیر محسوب می‌شود که دستگیری شده و به عضویت گروهی درآید که شاخص آن فقر است». از نظر او واکنش اجتماعی و برخوردهای دیگران، به فقرا هویت خاصی می‌بخشد و سبب می‌شود آنها رفتاری از خود بروز دهند و جزء دسته مذکور قرار گیرند. بر این اساس جامعه فقیرساز است و فقیری که با صفات منفی مشخص می‌شود، در دیگر گروه‌های اجتماعی جایگاهی ندارد (افروغ، ۱۳۷۹). در ادامه، نظریه‌های مرتبط با این رویکرد بیان می‌شوند.

نظریه فقر منزلتی

منزلت در روابط اجتماعی و نظام قشربندی، نقش اساسی ایفا می‌کند و با تعهد، اعتبار، حیثیت، آبرو، نفوذ، تأیید اجتماعی و احترام، ارتباط دارد. مال و ثروت در جامعه، مبنای رایج منزلت و افتخار است. برای اینکه کسی پایگاه مقبولی در اجتماع داشته باشد، داشتن میزانی از ثروت، ضروری است. برای حفظ خوش‌نامی، به دست آوردن نان و اندوختن دارایی از معیارهای جامعه و مبنای مستقل و قاطعی برای ارجمنندی فرد است. آن دسته از اعضای اجتماع که ثروت و توانمندی کمتری دارند، در نظر اعضای دیگر ارج کمتری دارند و در نهایت خودشان هم این فرهنگ را می‌پذیرند؛ زیرا حرمت شخص به احترامی وابسته است که همسایگان برایش به جا می‌آورند. سرمایه مالی نزد عامه مردم، نشانه ارجمنندی محسوب می‌شود و شرط لازم برای احترام به خویشان است (وبلن، ۱۳۸۶: ۷۵).

فردی در توانایی و یا به تعبیر امروزی، انگیزه و اخلاق کاری است. او بر این اعتقاد است که هرکدام از عوامل فوق، چه انگیزه و چه توانایی، اگر به حد کافی در فرد وجود نداشته باشند، کم‌وبیش به فقر منجر می‌شوند (افروغ، ۱۳۷۹: ۷۰). نظریه پردازان کنش متقابل نمادین معتقدند که چون مردم همواره خود را در آینه قضاوت دیگران می‌بینند، بنابراین ارزیابی و قضاوت دیگران، نقش مهمی در تصویر «فقرپنداری» افراد از خود دارد. از نظر این جامعه‌شناسان، برای زدودن و یا کاهش فقر، باید در جهت تغییر رفتار و ارزش‌های فقرا گام برداشت (سلطانی و سلطانی، ۱۳۸۴).

دیدگاه موقعیتی

مطابق دیدگاه موقعیتی، علت فقر را باید در نیروهای بیرون از کنترل فرد جست‌وجو کرد. فقر حاصل تبعیض و موقعیت‌هایی است که ساختار جامعه بر افراد تحمیل کرده است. «نظریه تضاد»، روایت بسیار تند و حاد این دیدگاه درباره مسئله فقر است که مشکلات اجتماعی را ناشی از توزیع نابرابر قدرت می‌داند. نظام اجتماعی، ماهیتی ناعادلانه و استثمارگرانه دارد و جامعه را به طبقات پایین و بالا تقسیم می‌کند. در عین حال، روایت معتدل‌تر آن، نظریه مرتون^۲ است که فقر و نداری را به ساخت اجتماعی - که فرصت‌ها را محدود می‌کند - نسبت می‌دهد. به عبارت دیگر، طبقه پایین با وجود آنکه به نظام فرهنگی و ارزشی خاصی تعلق دارند، به محدودیت‌های ساختاری محکوم می‌شوند و در تلاش‌اند به گونه‌ای خود را با این شرایط سخت، وفق دهند. طبق این دیدگاه، فقیر فقیرزاده و غنی، غنی‌زاده است و جامعه تحرک لازم برای تقلیل این فاصله‌ها را ندارد (سلطانی و سلطانی، ۱۳۸۴).

رویکرد رابطه‌ای

رویکرد ربطی نیز در تلاش است تا تلفیقی از هر دو رویکرد را ارائه دهد و بر آن است تا فقر را نه تنها امری درونی و

³ waxman

⁴ Simmel

¹ conflict theory

² Merton

فقر را ناتوانی در مشارکت اجتماعی می‌دانند و فضای مفهومی آن را با استفاده از مفهوم طرد اجتماعی، توصیف می‌کنند. طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افراد قادر به مشارکت در اجتماع نباشند و افراد و گروه‌ها به‌طور غیرارادی از فرصت مشارکت در امور اجتماعی محروم شوند. همین امر بر تداوم فقر تأثیر می‌گذارد (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۴۰). فقدان یا کمی درآمد نیز، با محرومیت از جامعه، آزادی و مشارکت ارتباط نزدیک دارد و تقویت‌کننده خط سیر فقر در نسل‌های آتی جامعه است. فرهنگ فقر، یک بعد کاملاً انسانی دارد، غیر از مسئله غذا و معیشت، ابعاد منزلت اجتماعی، احترام، تشخص، نگرش مناسب و توان مشارکت در مسائل مدنی را شامل می‌شود و از نظر توسعه انسانی، به معنای محروم شدن از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و نیز نبود فرصت برای زندگی شرافتمندانه است (شادی‌طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۶: ۳۴).

نظریه داغ ننگ فقر

در نظریه داغ ننگ، ویژگی‌هایی از جمله احساس شرمساری و خجل بودن، به پایین آمدن احساس منزلت اجتماعی منجر می‌شود. این داغ، شکلی از تعامل دوطرفه است. مطالعات نشان می‌دهد فقر نتیجه داغ اجتماعی است. تجربه داغ، فقرا را در بی‌منزلی و خواری، طردشدگی و بی‌ارزشی، درگیر می‌کند. از نظر ساتوریوس^۲ (۲۰۰۴)، پدیده داغ اجتماعی، به درونی شدن تنفر از خود، منزوی کردن خویش و احساس شرمساری از حضور در جمع می‌انجامد. یافته‌ها نشان می‌دهد بین داغ ننگ و تبعیض اجتماعی، رابطه علی وجود دارد (نیازی و عشایری، ۱۳۹۵: ۸۸).

دیدگاه اقتصادی

طی سال‌های اخیر، تحقیقات متعددی در زمینه رابطه بین رشد و فقر انجام شده است و طی آن اقتصاددانان به دنبال پاسخ به این سؤال بوده‌اند که آیا رشد اقتصادی شامل فقرا می‌شود یا

بوردیو^۱ مسئله ذائقه را در کتاب تمایز خود مطرح و به این اشاره می‌کند که جایگاه و منزلت اجتماعی اشخاص در یک گروه، از متغیر سطح درآمد اقتصادی (سرمایه اقتصادی) تأثیر می‌گیرد. طبقات اجتماعی با توجه به ثروت و دارایی مادی ارزیابی می‌شوند. سطح توسعه جوامع، رفاه اقتصادی و وضعیت تولیدی جامعه به توانمندی افراد منجر می‌شود و آنها را از فقر و فلاکت، رها می‌کند (King, 2000). ضعف منابع مالی و پایین بودن طبقه فرد، به حاشیه‌ای شدن و رانده شدن فرد به جانب گروه فقیر منجر می‌شود و آنها را در چرخه فقر گرفتار می‌کند (Farmer et al., 2006). کسانی که از نظر اقتصادی در حاشیه قرار گرفته‌اند، تمایل دارند از نظر اجتماعی هم حاشیه‌نشین شوند؛ بنابراین، از منابع قدرت محروم می‌شوند و ناخواسته، همیشه فقیر و وابسته می‌مانند (کانبور و لین، ۱۳۸۲: ۲۴۸).

نظریه طرد اجتماعی فقرا

طرد اجتماعی به معنای محروم شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی است (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۹). طرد اجتماعی، فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است (پتریک، ۱۳۸۱: ۱۸۳). فقرای طردشده از جامعه مدنی، خود را در دنیایشان محصور می‌بینند. نابرخورداری از امکانات و محدودیت ارتباط با گروه‌های ناهمگن، بستری را فراهم می‌کند که در آن نه تنها زمینه اعتماد به ایجاد وضعیت بهتر سرکوب می‌شود، افراد را در نوعی خلسه و بی‌اعتنایی به وضع موجود نیز فرومی‌برد. در واقع، کمبود امکانات و شکل‌نگرفتن فضای ارتباطی مشترک برای فقرا و نیز آگاهی حداقلی از دنیای پیرامون، زمینه بروز بیشتر فرهنگ فقر را فراهم می‌کند؛ بنابراین، ارتباط محدود با دنیای اطلاعات، به همراه محبوس شدن در چارچوب اطلاعات فرهنگ قومی، در تشدید فرهنگ فقر مؤثر است.

² Sartorius

¹ Bourdieu

قحطی، گرسنگی، سوء تغذیه، امکان مشارکت اجتماعی، تبعیض‌های جنسیتی، داشتن سرپناه، امکان مسافرت و ... را فراهم می‌آورند. چنان‌که استنباط می‌شود، غیبت هرکدام از این مصادیق در زندگی افراد، مصداق فقر است و فقر درآمدی هم نوعی از انواع این فقر محسوب می‌شود.

نظریه‌های مقابله با فقر و فقرزدایی

نظریه دولت رفاه^۴

بیشتر کشورهای صنعتی جهان و کشورهای در حال صنعتی شدن، امروز جزء دولت‌های رفاه محسوب می‌شوند، یعنی دولت‌هایی که از طریق تأمین و یارانه‌بندی برخی کالاها و خدمات، نقش مهمی در کاهش نابرابری‌ها در میان جمعیت دارند. هدف سیاست‌های رفاهی، مقابله با آثار و عواقب منفی بازار برای کسانی است که باید به دلایل گوناگون، برای رفع نیازهای اولیه خود مبارزه کنند. سیاست‌های رفاهی، راهی برای مدیریت و کنترل بیم و خطرهایی است که مردم در طول دوره زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شوند، مانند بیماری، معلولیت، بیکاری، فقر و پیری. دولت رفاه در کشورهای گوناگون متفاوت است، اما بیشتر خدمات و حمایت‌ها در حوزه آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، مسکن، تقویت درآمد، بیکاری و مستمری‌ها را شامل می‌شود. سطح هزینه‌های رفاهی نیز متفاوت است. نظام‌های رفاهی برخی از کشورها، بسیار پیشرفته است و بخش بزرگی از بودجه ملی را به خود اختصاص می‌دهد (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۸: ۴۷۸).

رویکرد جماعت‌محور^۵

رویکرد جماعت‌محور برنامه‌های کاهش فقر، شاید یکی از جدیدترین رویکردهای برنامه‌های کاهش فقر محسوب می‌شود که در دو دهه اخیر بسیار به آن توجه شده است. بر پایه این رویکرد، برنامه‌های کاهش فقر تنها وقتی مؤثرند که مردم اجتماع‌های محلی، به سرمایه‌گذاری و کاربرد منابع

اینکه اثر اصلی رشد به وسیله ثروتمندان جذب می‌شود و افراد کم‌درآمد را به مقدار کمتری منتفع می‌کند. در یک طرف این بحث، خوش‌بینان به رشد قرار دارند که به «نشت رو به پایین»^۱ اعتقاد دارند و بیان می‌کنند که رشد اقتصادی، فقر مطلق را کاهش می‌دهد، به این صورت که رشد درآمدهای متوسط به سود مردم فقیر است. در طرف دیگر، گروهی از اقتصاددانان بر این باورند که منافع رشد اقتصادی، به فقرا نمی‌رسد. اینان طرفداران نظریه «رشد فقرزا»^۲ هستند، به این صورت که با افزایش درآمدهای متوسط، هم‌زمان گروه‌های بزرگی از مردم فقیر می‌شوند و تأکید کرده‌اند که ممکن است رشد اقتصادی، فقرا را فقیرتر کند. بر طبق این دیدگاه، زمانی که کشورها سیاست استراتژی توسعه را بدون در نظر گرفتن مزیت‌های نسبی اجرا می‌کنند، تنها باعث می‌شوند منابع کشور به هدر برود و جامعه فقیرتر شود.

دیدگاه قابلیت

این دیدگاه در سال ۱۹۹۹ مطرح شد و با انتقاد از تعریف فقر بر مبنای سطح درآمد، بر این نکته اشاره دارد که فقر لزوماً به معنای پایین بودن سطح درآمد نیست و هرآنچه قابلیت‌های انسان را محدود کند، فقر و یا ایجادکننده فقر است. توانایی افراد در داشتن حق انتخاب مهم است و چه بودن و در چه حال بودن آنها اهمیتی ندارد، بلکه مهم این است که آیا امکان برهم زدن شرایط موجود را دارند، یا فارغ از هر سطح درآمدی، به اجبار در وضعیت فعلی قرار گرفته‌اند؟ (Sen, 1999).

رابینز^۳ در سال (2002) در کتاب فهم رویکرد قابلیت سن، قابلیت‌ها را به دو بخش قابلیت‌های پایه و بنیادی دسته‌بندی کرد. او قابلیت‌های پایه را به مصادیقی مانند سواد، آموزش و سلامتی مرتبط دانست و قابلیت‌های بنیادی را با شرایط مرتبطی معرفی کرد که توانایی لازم برای رشدن از

¹ Trickle Down

² Immiserizing Growth

³ Robyns

⁴ Welfare state

⁵ community based

دیدگاه جامع‌تری قرار دارد و برای مشارکت فقرا در شناخت فقر و راه‌های کاهش و کنترل آنها، تأکید می‌کند. براساس رویکرد مشارکت‌طلبانه در تعریف و سنجش فقر، این فقرا ایند که مؤلفه‌ها و شاخصه‌های فقر را بر پایه زندگی روزمره و شرایط واقعی، که در آن به سر می‌برند، توضیح می‌دهند و پس از توانمندشدن در پی جست‌وجوی راه‌هایی برای گریز از فقر برمی‌آیند (جباری، ۱۳۸۴).

نظریه توانمندسازی فیترمن^۱

فیترمن (۲۰۰۴) نیز از جمله کسانی است که درباره توانمندسازی نظریه دارد و پنج سطح را برای مدل ارزشیابی توانمندسازی معرفی کرده است که عبارت‌اند از: ۱- آموزش: در آموزش به مردم آموخته می‌شود تا مجری ارزشیابی‌های خود باشند و برعکس ارزشیابی‌هایی عمل کنند که ذی‌نفعان در برنامه اجرا می‌کنند؛ ۲- تسهیلگری: در این مدل تلاش می‌شود به افراد کمک شود تا یک طرح خود را پیاده کنند. در اینجا نقش ارزش‌یاب (آموزش‌دهنده) به‌عنوان یک مربی، ارائه راهنمایی‌های عمومی و جهت‌دادن به تلاش‌هاست؛ ۳- حمایت: در حمایت بر دفاع از مردم در پیاده کردن طرح‌های توسعه‌ای تأکید می‌شود و مربیان برای دستیابی به اهداف پیشرفت، به مردم اعتماد به نفس می‌دهند. تأکید آن بر ایفای نقش حمایتی وابستگان و دست‌اندرکاران دولتی از پیشنهادهاست توسعه‌ای افراد محلی است؛ ۴- آشکارسازی: ارزش‌یاب توانمندساز در این مدل، تجربیات خود را در اختیار مردم قرار می‌دهد. تأکید آن بر آگاه‌سازی، روشن‌گری و ایجاد انگیزه در میان اعضای جامعه هدف برای همراهی با دیگر عوامل برنامه است؛ ۵- آزادسازی: در مدل آزادسازی، ارزش‌یاب توانمندساز، بروزدهنده استعدادهاست مردم است و نوعی زمینه بروز و استعدادهاست مردم را برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. همچنین تأکید آن بر فرصت‌سازی خودخواسته و رهایی فرد از قیدهای گذشته است (کلیتون و همکاران، ۱۳۸۳).

درونی متعهد شوند. این رویکرد و روش‌های پیشین، به شدت از کاهش فقر، که با نگاه از بالا به پایین یا از بیرون به درون، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا می‌شد، انتقاد می‌کند و نقش متخصصان را تا سطح تسهیل‌کننده تنزل می‌دهد تا به این ترتیب حداکثر مشارکت اجتماعی را برای طراحی و اجرای برنامه‌های کاهش فقر، جلب کند.

این رویکرد که یکی از مهم‌ترین رویکردها در زمینه فقرزدایی است، با سرمایه‌گذاری فعال بر مردم تلاش می‌کند آنها را با چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی، به‌ویژه با اقتصاد دانش‌محور آشنا کند. در واقع دولت به‌جای اینکه با اعطای برخی امتیازها و اعانه‌ها مردم را در وضعیت فقرآلود خود نگاه دارد یا آنها را به کارهای نامولد با دستمزد اندک مشغول کند، مهارت‌ها و استعدادها را به‌گونه‌ای پرورش می‌دهد که بتوانند کارهای معنادار با دستمزدهای واقعی را پیدا کنند. به این ترتیب منابع مربوط به کمک‌ها در زمینه تقویت و افزایش ظرفیت‌های مردم سرمایه‌گذاری می‌شود. نظام تأمین اجتماعی به امور بازنشستگان منحصر می‌شود و در عین حال افرادی که به هر دلیلی نمی‌توانند کار کنند، از حمایت‌های لازم برخوردار می‌شوند (قانعی راد، ۱۳۸۴).

قانعی راد (۱۳۸۴)، مهم‌ترین دستاوردهای چنین روندی را به قرار زیر ترسیم کرده است: ۱- تغییر مفهوم تأمین به معنای تقویت احساس امنیت از طریق توسعه مهارت‌های شغلی شهروندان و امکان حرکت به سمت فرصت‌های جدید؛ ۲- تغییر مضامین کمک و حمایت از پرداخت‌های مستقیم و غیرمستقیم مالی به مشکلاتی همچون فقدان مهارت، اعتماد به نفس و جسارت؛ ۳- تقویت مشارکت بخش سوم یا جامعه مدنی و اجتماع‌های محلی برای فقرزدایی و ارائه خدمات رفاهی.

برنامه‌های جماعت‌محور کاهش فقر، این امکان را به فقرا می‌دهد تا خودشان، که در پیوند بلافصل با محیط فقرزا قرار دارند، برای کاهش و کنترل فقر تلاش کنند. رویکرد جماعت‌محور نسبت به مسائل اجتماعی از جمله فقر، ذیل

¹ Fiterman

شمولیت فقر و یا خارج شدن از فقر را چگونه در سایه حمایت‌های کمیته امداد تجربه کرده‌اند. در این راه، تحلیل تماتیک به ما کمک می‌کند.

میدان تحقیق در این پژوهش، مناطق روستایی واقع در شهرستان تنگستان استان بوشهر است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع بوده است. در این پژوهش، پژوهشگر نمونه‌ها را با توجه به اهداف پژوهش، به‌طور خاص انتخاب کرده است تا مسئله مدنظر را به‌طور عمیق بررسی کند. ما در این پژوهش، نمونه‌ها را از روستاهای مختلف و با توجه به تنوع محل زندگی، وضعیت معیشت، سن و تعداد فرزندان خانواده انتخاب کرده‌ایم. همچنین به سراغ مددجویانی رفته‌ایم که در فواصل زمانی متفاوتی، تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار گرفته و به‌طور متفاوت، از سیاست‌های فقرزدایی و اشتغال‌زایی این کمیته بهره برده‌اند. علاوه بر این، مددجویانی هم که به‌تازگی از دایره حمایتی کمیته امداد خارج شده‌اند، مدنظر ما قرار گرفته‌اند.

شروط ورود مشارکت‌کنندگان به تحقیق، این بود که سن سرپرست آنها از ۵۰ سال کمتر باشد، توانایی انجام کار را داشته باشند (از کار افتاده نباشند) و با استفاده از سیاست‌های اتخاذشده به‌وسیله کمیته امداد، برای خودکفایی خانواده فعالیت کنند. همچنین خانواده‌هایی مدنظر قرار گرفتند که ۳ سال یا بیشتر تحت پوشش کمیته امداد بوده و به‌طور کامل از حمایت‌های آن برخوردار شده‌اند.

با توجه به این شروط و براساس معیار اشباع نظری، تعداد ۲۳ نفر از مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در این پژوهش مشارکت کردند و به‌صورت حضوری و عمیق از آنها مصاحبه شد. همچنین با توجه به اهداف پژوهش و بررسی عمیق‌تر مسئله تحقیق، با ۵ نفر از مددکاران حاضر در منطقه مطالعه‌شده، که با مددجویان در ارتباط بودند، به‌عنوان مطلعان، مصاحبه شد.

در بخش‌های مختلف این پژوهش، مانند پیشینه تحقیق،

توانمندسازی اجتماعی^۱

توانمندسازی اجتماعی بعد از مباحثی چون تمرکززدایی و خصوصی‌سازی به پژوهش‌های برنامه‌ریزی‌شده وارد شده است که البته از نظر مفهومی، مطلب جدیدی نیست و از گذشته نیز همین مفهوم با عناوین توسعه درون‌زا، جذبی و گاه توسعه مشارکتی مطرح شده بود که امروزه با توجه بیشتر به جنبه مشارکتی در توانمندسازی، مشارکت مردم به‌منزله اصل عملیاتی و بنیادین تمام برنامه‌ریزی‌های توسعه مطرح است و در همه فرایندهای آن، به مردم به‌عنوان محور و حتی طرح‌های توسعه توجه می‌شود. توانمندسازی اجتماعی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند و باعث تسلط آنها در سرنوشت خود می‌شوند (Farrokh, 2001: 12).

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش با توجه به موضوع مدنظر، از روش کیفی استفاده شده است. سیاست‌های فقرزدایی عمدتاً باید باعث تغییرات عمیق و مؤثر در وضعیت زندگی فقرا شوند و بررسی عمق این موضوع و همچنین تغییر ذهنیت فقرا درباره موضوع فقر، تنها با استفاده از روش‌های کیفی امکان‌پذیر است. روش کیفی نه تنها درباره آنچه آنها فکر می‌کنند، راجع به چرا این چنین فکر می‌کنند نیز، اطلاعات مفیدی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

ما در این پژوهش از روش تحلیل تماتیک و بررسی اسناد بهره می‌گیریم؛ چون به دنبال استخراج، فهم و استنباط فقرزدایی از درون گفته‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه و از بطن تحلیلی هستیم و این چیزی بسیار بیشتر از خلاصه‌کردن صرف داده‌هاست و بر تفسیر و توضیح گفته‌ها تمرکز دارد. ما می‌خواهیم بدانیم که ظرفیت و روند فقرزدایی در این منطقه، به چه صورت بوده است و خانواده‌های تحت پوشش،

¹ Social empowerment

اعتبار تحقیق، تم‌ها و داده‌های تحلیل‌شده را در اختیار متخصصان این حوزه قرار دادیم و آنها نیز تأیید کردند. یادداشت‌برداری مفصل و دقیق از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش، از جمله روش‌هایی بود که برای افزایش قابلیت اعتماد در این پژوهش، از آنها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

چنان‌که ذکر شد، داده‌های لازم برای انجام این تحقیق، از مصاحبه با ۲۳ نفر از مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و نیز ۵ نفر از مددکاران حاضر در منطقه مطالعه‌شده به دست آمد. جداول زیر، ویژگی‌های نمونه مطالعه‌شده را نشان می‌دهند.

تعریف مفاهیم، آشنایی با جامعه مطالعه‌شده، فرایند مصاحبه و تحلیل یافته‌های پژوهش، از اسناد و مدارک موجود استفاده شده است. با توجه به حضور فیزیکی محقق در منزل مددجویان تحت پوشش کمیته امداد و مشاهده وضعیت زندگی آنها، مانند وضعیت مسکن و امکانات زندگی، دید بهتری نسبت به وضعیت فقر و همچنین تأثیر کمک‌های اعطایی این نهاد حمایتی بر وضعیت زندگی آنها حاصل شده است. به‌طور میانگین، مدت زمان انجام مصاحبه‌ها بسته به شرایط مصاحبه‌شونده‌ها، حدود ۴۰ دقیقه زمان برد. مصاحبه‌ها به دو صورت ثبت و ضبط می‌شدند: اول اینکه در صورت اجازه مددجو، با استفاده از ضبط صوت و در صورت تمایل نداشتن او، به صورت دستی و روی کاغذ یادداشت می‌شد.

در این پژوهش برای تحلیل تماتیک، از چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک^۱ (2006) پیروی می‌شود که یکی از مهم‌ترین رویکردها در تحقیق کیفی است و چارچوب روشن و استفاده‌شدنی را برای تحلیل تماتیک ارائه می‌دهد. این چارچوب شامل آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجو برای تم‌ها، بررسی تم‌ها، تعریف تم‌ها و درنهایت نگارش و تحلیل نهایی است. در طول انجام کار، پژوهشگران از یک مرحله به مرحله بعد حرکت می‌کنند؛ اما مراحل لزوماً خطی نیستند و می‌توان چندین بار بین آنها عقب و جلو رفت، به‌خصوص اگر با بسیاری از اطلاعات پیچیده مواجه شده باشیم.

برای افزایش اعتبار تحقیق، از تکنیک مثلث‌سازی استفاده شده است. مثلث‌سازی یعنی برای یافتن پاسخ یک سؤال مشخص، به سراغ منابع مختلف بریم و با روش‌های گوناگونی تحقیق کنیم. یکی دیگر از روش‌های تعیین اعتبار در این تحقیق، این بود که فرایند تحلیل داده‌ها، تفسیر آنها و همچنین نتایج تحقیق برای شرکت‌کنندگان در پژوهش شرح داده شد تا صحت آن را تأیید کنند. به‌علاوه برای افزایش

¹ Braun & Clarke

جدول ۱- مشخصات مددجویان مشارکت‌کننده در مصاحبه

Table 1- Characteristics of the clients participating in the interview

تعداد فرزند	تحصیلات	مدت زمان مددجویی	جنسیت	سن	کد	تعداد فرزند	تحصیلات	مدت زمان مددجویی	جنسیت	سن	کد
۱	ابتدایی	۵ سال	مرد	۳۶	۱۳	۱	بی‌سواد	۱۰ سال	مرد	۴۵	۱
۲	بی‌سواد	۱۰ سال	مرد	۴۴	۱۴	۲	بی‌سواد	۱۸ سال	مرد	۵۰	۲
۱	بی‌سواد	۳ سال	مرد	۳۶	۱۵	۳	بی‌سواد	۴ سال	مرد	۴۰	۳
۲	بی‌سواد	خارج شده	مرد	۴۹	۱۶	۲	ابتدایی	۱۵ سال	مرد	۴۰	۴
۲	ابتدایی	۹ سال	مرد	۴۸	۱۷	۱	ابتدایی	خارج شده	مرد	۴۱	۵
۱	دیپلم	۵ سال	زن	۳۶	۱۸	۲	ابتدایی	۴ سال	مرد	۳۹	۶
۲	دیپلم	۶ سال	مرد	۴۱	۱۹	۴	بی‌سواد	۴ سال	زن	۳۸	۷
۳	بی‌سواد	۸ سال	مرد	۴۵	۲۰	۲	ابتدایی	۶ سال	زن	۳۷	۸
۱	ابتدایی	خارج شده	مرد	۴۹	۲۱	۲	دیپلم	۱۷ سال	زن	۴۲	۹
۲	بی‌سواد	خارج شده	زن	۳۸	۲۲	۱	دیپلم	۸ سال	زن	۳۳	۱۰
۱	دیپلم	خارج شده	مرد	۳۳	۲۳	۱	بی‌سواد	خارج شده	زن	۴۸	۱۱
						۲	بی‌سواد	خارج شده	زن	۳۷	۱۲

جدول ۲- مشخصات مطلعان شرکت‌کننده در مصاحبه

Table 2- Details of informants participating in the interview

کد مددکار	سمت	سن	جنسیت	سابقه خدمت
۱	مددکار	۳۵	مرد	۸ سال
۲	مددکار	۴۰	مرد	۱۲ سال
۳	مددکار	۳۶	زن	۵ سال
۴	مددکار	۴۵	زن	۱۲ سال
۵	مددکار	۳۹	مرد	۶ سال

پس از انجام مصاحبه‌های عمیق و باز با مصاحبه‌شوندگان، در مجموع تعداد ۶۱ مفهوم اولیه و ۵ مضمون اصلی استخراج شد که در ادامه برای مشخص‌تر شدن یافته‌ها، مضامین اصلی استخراج شده توضیح داده می‌شوند.

موجود نیز ظرفیت ایجاد زمینه‌های بالندگی اقتصادی همراه با کاهش فقر و نابرابری را ندارند. به همین دلیل، تعدیل‌های مستمر سازمان‌ها برای گسترش مشارکت و پیشرفت، ضرورت دارد. از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان و تحلیل آنها، تم عملکرد نامناسب سازمانی از چهار تم فرعی با عناوین، کوتاهی در تأمین نیازهای اساسی مددجویان، تورم مددجویان، ضعف مالی کمیته و برقرارنشدن ارتباط مناسب با دیگر نهادها، نبود شفافیت و وجود فساد اداری، شناسایی شده است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱ در این زمینه بیان می‌کند:

«ماشین و کار و خانه آرزو شده است. مشکل اصلی ما

تأمین نیازهای اولیه است.»

هر سازمانی برای اینکه بتواند به وظایف و مسئولیت‌های خود در چارچوب‌های مشخص عمل کند، باید در بدنه خود، کمترین مشکلات را داشته باشد تا با بسیج منابع و امکانات، برای رسیدن به اهدافش عمل کند. آنچه شواهد و آمارها نشان می‌دهد، این است که در نظام اقتصادی ایران، کارایی مشاهده می‌شود و برابری به وجود نیامده است، به تبع آن، سازمان‌های

عملکرد نامناسب سازمانی

پس از انجام مصاحبه‌های عمیق و باز با مصاحبه‌شوندگان، در مجموع تعداد ۶۱ مفهوم اولیه و ۵ مضمون اصلی استخراج شد که در ادامه برای مشخص‌تر شدن یافته‌ها، مضامین اصلی استخراج شده توضیح داده می‌شوند.

مددکار شماره ۱ دربارهٔ بیشترین درخواست‌هایی که از

سوی مددجویان مطرح می‌شود، این‌گونه بیان می‌کند:

«بیشتر درخواست‌ها و مشکلات، معیشتی و امورات اولیهٔ زندگی، مانند تغذیه است و هر چیزی که به شکم مربوط است. در خانواده‌های چند نفره، با وجود تورم مواد غذایی، مشکل خوراک و معیشت دارند. خانواده‌های کم‌جمعیت شاید با این بسته‌های غذایی بتوانند سر کنند، اما برای خانواده‌های پرجمعیت کافی نیست.»

مددجوی شماره ۱۳ در این رابطه بیان می‌کند:

«اصلاً این کمک‌های کمیته باعث تغییر در وضع زندگی نمی‌شود، در حد کمک‌هزینه است. کمک‌های کمیته آن‌طوری نیست که مردم را به آینده و خروج از فقر امیدوار کند. الآن چه تحت پوشش باشی و چه نباشی، فرقی ندارد، چون زیاد تأثیری ندارد. دیگر آدم ته خط باشد و مجبور شود که تحت پوشش قرار بگیرد.»

مددکار شماره ۱ دربارهٔ کمبود بودجهٔ کمیته بیان می‌کند:

«کمیتهٔ امداد خودش یک وزارتخانهٔ بزرگ است که همهٔ وزارتخانه‌ها مثل درمان، مسکن، تعاون و رفاه را در خود دارد و خلاصه‌ای از تمام وزارتخانه‌هاست؛ بنابراین باید بودجهٔ این کمیته افزایش پیدا کند تا بتواند با وجود

این تورم در جامعه، خدمات مناسبی به مددجویان ارائه کند.»

مددکار شماره ۵ دربارهٔ ضعف مالی کمیتهٔ امداد بیان

می‌کند:

«تعداد درخواست‌هایی که به کمیته ارائه می‌شود، بالاست و در زمینه‌های مختلف، مددجویان از ما درخواست کمک دارند، ولی بودجهٔ ما محدود است و مجبوریم فقط به اولویت‌ها پردازیم و ما با این بودجه، توان مبارزه با فقر را نداریم.»

مددجوی شماره ۷ که زن سرپرست خانوار است و چند

فرزند دارد و منزل مناسب برای سکونت و آب لوله‌کشی

ندارد، بیان می‌کند:

«برای ساخت خانه، من و فرزندم زیاله‌گردی کردیم و در خانه‌های مردم کار می‌کردم تا توانستم یک اتاق را برای زندگی بسازم و کمیته به ما کمکی نکرد. از طرف مؤسسهٔ خیریه هم آمدند و عکس گرفتند، ولی کمکی نکردند. آب لوله‌کشی نداشتیم که با کمک مردم لوله‌کشی کردیم. سرویس بهداشتی مناسب نیست و سقف ندارد و با وجود اینکه فرزند دختر دارم، شرایط سخت است.»

جدول ۳- مفاهیم و تم‌های فرعی مرتبط با تم عملکرد نامناسب سازمانی

Table 3- Concepts and sub-themes related to the theme of inappropriate organizational performance

تم اصلی	تم فرعی	مفاهیم
		توزیع نامناسب مواد غذایی در بین مددجویان
		نبود حمایت کافی در زمینهٔ ساخت و تعمیر مسکن
		پرداخت نکردن هزینهٔ پزشکی مددجویان
		نداشتن بودجهٔ کافی کمیتهٔ امداد
عملکرد		ارتباط نامناسب کمیته با نهادهای دولتی
نامناسب	ضعف مالی کمیته و	کمبود اقلام و وسایل کمکی
سازمانی	برقراری ارتباط	ناتوانی در جلب مشارکت‌های مردمی
	مناسب با دیگر نهادها	برون‌سپاری نامناسب وظایف کمیته به مؤسسات خیریه
		ضعف مدیریت هزینه‌ها در کمیتهٔ امداد
		شناسایی نامناسب نیازمندان واقعی
		کمک بیشتر به مددجویان شهری
		رسیدگی نکردن به اعتراض مددجویان
		پایین آمدن سن پذیرش مددجویی
		سلیقه‌ای عمل کردن مسئولان کمیتهٔ امداد
		فساد در سیستم برای اعطای وام‌ها
		نبود صداقت در گفته‌های مسئولان
		پارتی‌بازی در ارائهٔ خدمات به مددجویان
	نبود شفافیت و وجود فساد	
	اداری	

کشورهایی که عمده درآمدشان به نفت وابسته است، کوچک‌ترین تکانه (چه درونی و چه بیرونی)، اثر فزاینده‌ای بر توزیع درآمد آنها دارد. در این صورت با کاهش درآمدها، فقیران فقیرتر می‌شوند. در نهایت باید تأکید شود که اولین قدم در راه کاهش و ریشه‌کن کردن فقر، ایجاد محیط اقتصادی باثبات است. گرچه فقر تک‌بعدی نیست، بعد اقتصادی آن نیز نسبت به دیگر ابعاد، سهم بیشتری در ریشه‌کن کردن این پدیده اجتماعی دارد؛ زیرا بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی، در مشکلات اقتصادی مردم ریشه دارد. از میان صحبت‌های مددجویان و تحلیل گفته‌های آنها، تم بی‌ثباتی اقتصاد کلان جامعه، از سه تم فرعی با عناوین، ساختار اقتصادی تورم‌زای جامعه، موانع بانکی و مالی و ضعف مالی کمیته و برقراردن ارتباط مناسب با دیگر نهادها، شناسایی شده است.

مددکار شماره ۱ نیز در پاسخ به سؤال خارج‌نشدن مددجویان از تحت پوشش کمیته می‌گوید:

« علت عدم خروج مددجویان، این است که کمیته نتوانسته است به‌خوبی نیازمندان واقعی را شناسایی کند. بعضاً کسانی هستند که توانایی مالی خوبی دارند، ولی از کمک‌های کمیته استفاده می‌کنند و نیاز به پالایش و بررسی ویژه دارد. ممکن است از تعداد واقعی نیازمندی که تحت پوشش هستند، فقط تعدادی در فقر مطلق باشند».

مددجوی شماره ۱۱ درباره فساد اداری حاکم بر سیستم کمیته امداد بیان می‌کند:

«اگر پارتی جور کنی، کارت سریع‌تر انجام می‌شود و در اولویت قرار می‌گیری؛ مثلاً برای تعمیر دیوار خانه منزل گفتند بودجه نداریم، ولی در همان زمان برای کسانی دیگر ساخت کردند».

بی‌ثباتی اقتصاد کلان جامعه

بی‌ثباتی اقتصاد کلان، علاوه بر تضعیف رشد اقتصادی، توزیع درآمد را نامتعادل‌تر و به تبع فقرا را نیز متأثر می‌کند. در

جدول ۴- مفاهیم و تم‌های فرعی مرتبط با تم بی‌ثباتی اقتصاد کلان

Table 4- Concepts and sub-themes related to the theme of macroeconomic instability

تم اصلی	تم فرعی	مفاهیم
بی‌ثباتی اقتصاد کلان جامعه	ساختار اقتصادی تورم‌زای جامعه	تأثیرگذار نبودن کمک‌های کمیته در زندگی
		نبود تناسب بین کمک‌های نقدی با تورم
		افزایش تعداد مددجویان با جابه‌جایی خط فقر
		کاهش کمک‌های مردمی به کمیته به دلیل رکود اقتصادی
		ریسک مالی استفاده از طرح‌های اشتغال‌زایی
		فرایند سخت اخذ وام از بانک و نداشتن ضامن
		کمبود منابع برای اعطای وام
		مطابقت نداشتن مبلغ وام با نیازهای روز
		از دست رفتن ارزش مبلغ وام تا زمان اخذ
		نبود فرصت مناسب برای پرداخت اقساط

وام‌های خوداشتغالی بیان می‌کند:

«وامی که مثلاً برای خرید ماشین می‌دادن، ۵۰ میلیون بود که با قیمت فعلی ماشین حتی نمی‌شود با آن یک موتور خرید. یا ۱۰ میلیون وام ساخت مسکن که با این قیمت مصالح ساختمانی، چطور می‌شود خانه ساخت».

مددجوی شماره ۱۸ درباره موانع بانکی اخذ وام

خوداشتغالی بیان می‌کند:

«یک‌بار برای وام خوداشتغالی اقدام کردم و حتی کلاس‌های آموزشی آن را هم رفتیم، ولی در مرحله کارهای بانکی، چون ضامن پیدا نکردم، کنسل شد».

مددجوی شماره ۲۰ درباره تأثیر تورم در اقتصاد بر

پذیرش فرهنگ فقر توسط مددجویان

فرهنگ فقر که در اصل با عنوان «خرده‌فرهنگ فقر» نام‌گذاری شده است، مفهومی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۵۹، در اثر لوئیس، انسان‌شناس آمریکای شمالی، پدیدار شد. زمانی که یک فرهنگ فقر ظهور پیدا می‌کند، به واسطه انتقال ویژگی‌هایش به نسل آینده، بازتولید می‌شود. چنین چشم‌اندازی، به این نتیجه‌گیری منجر می‌شود که قدرت راه‌حل‌های اقتصادی برای پایان دادن به فقر، محدودند. فرهنگ فقر نسل به نسل منتقل می‌شود، چون جوانان از همان سنین اولیه می‌آموزند آرزوی زندگی بهتر و خواستن چیزهای بیشتر کاملاً بیهوده است. در عوض آنها با روحیه تقدیرگرایانه،

تسلیم زندگی فقیرانه خود می‌شوند. از میان صحبت‌های مددجویان و تحلیل گفته‌های آنها، تم پذیرش فرهنگ فقر از سه تم فرعی با عناوین، توانمندسازی نبودن اجتماعی مددجویان، وجود فرهنگ فقر و پذیرش فقر به وسیله مددجویان، فقدان مطالبه‌گری در بین مددجویان از کمیته، شناسایی شده است. مددجوی شماره ۱ در این زمینه چنین بیان می‌کند:

«مردم همیشه می‌گویند که اینها کمیته‌ای هستند و بدبخت هستند و یک نوع حس ترحم به مددجو دارند. بارها شده که خجالت کشیدیم که جلوی مردم اقلام غذایی بگیریم. کمک‌های کمیته باعث نشده مددجو در جامعه احساس راحتی کنیم.»

جدول ۵- مفاهیم و تم‌های فرعی مرتبط با تم پذیرش فرهنگ فقر

Table 5- Concepts and sub-themes related to the theme of accepting the culture of poverty

تم اصلی	تم فرعی	مفاهیم
پذیرش فرهنگ فقر	عدم توانمندسازی اجتماعی مددجویان	احساس شرمساری و میل به انزوا نداشتن مشارکت اجتماعی در جامعه برگزارنشده کلاس‌های مشاوره اجتماعی و خانوادگی
	وجود فرهنگ فقر و پذیرش فقر به وسیله مددجویان	احساس ضعف برای کار متکی بودن به کمک دیگران تمایل نداشتن به آینده‌نگری تقدیرگرایی و تسلیم قضا و قدر بودن قناعت مددجویان به کمک‌های نقدی نبود انگیزه در مددجویان برای فعالیت سطح توقع پایین نزد مددجویان
	فقدان مطالبه‌گری در بین مددجویان	بی‌ارزش دانستن طرح‌های کمیته به دلیل علاقه‌نداشتن مراجعه نکردن به کمیته و دفاع از حق خود درخواست کمک از فامیل به جای کمیته به علت

متأسفانه تمایلی به شروع کردن کار ندارند. نه تنها خودشان، بلکه فرزندانشان هم تنبل شده‌اند.»

مددجو شماره ۱۵ که زندگی فقیرانه خود را پذیرفته است،

بیان می‌کند:

مددکار شماره ۱ درباره غلبه فرهنگ فقر در مددجویان

می‌گوید:

«به آنها پیشنهاد وام‌های خوداشتغالی زیاد می‌دهیم، ولی

کمیته بیان می‌کند:

«آرایشگری و خیاطی بلدم، ولی تا حالا درخواست وام خوداشتغالی ندادم. خود پشتکار و تلاشی ندارم که کاری راه بندازم، ولی تا حالا هم کسی از طرف کمیته نیامده که من تشویق کنه که کار کنم و ازم حمایت کنه».

مددکار شماره ۵ درباره آموزش بیان می‌کند:

«برنامه‌های آموزش محور کمبود داریم و ضعیف عمل می‌شود. کل کشور به آموزش اعتقادی ندارد و در بحث آموزش زیر صفر هستیم. به آموزش قبل از کار توجهی نمی‌شود و بیشتر وام‌های خوداشتغالی، چون بدون آموزش اعطا می‌شود، کارایی لازم ندارند».

مددجوی شماره ۷ درباره توجه نکردن به مهارت مددجویان

بیان می‌کند:

«کسی تا حالا از طرف کمیته نیامده بگوید که شما چه کاری بلدی که ما هم بتوانیم کمک کنیم. چند طرح محدود است که سال‌ها هم هست، همان‌ها هستند و کسی به مهارت ما توجهی ندارد».

«همین کمک‌هایی هم که به دستمان می‌رسد، خدایا شکر خوب است. اگر همین‌ها نبود چه می‌کردیم. بخواهیم کاری شروع کنیم یا از تحت پوشش خارج شویم، برای من سخت است».

مددکار شماره ۱ درباره مطالبه‌گر نبودن مددجویان بیان

می‌کند:

«مددجو اکتفا کرده به همین کمک‌هایی که دریافت می‌کند. برای انجام کار باید آنها را هل داد. گاهی اوقات ما به خواهش و التماس می‌افزیم که فلانی بیا این مغازه را باز کن، ولی انگیزه کار کردن ندارند».

فقدان برنامه‌های تسهیلگری^۱ کارآمد

تسهیلگری، فرایند کمک به گروه‌ها یا افراد برای یادگیری، یافتن راه‌حل، یا رسیدن به نتیجه با توافق طرفین است. این راهبرد شامل ایجاد فرصت‌های آموزشی، به‌ویژه آموزش‌های حرفه‌ای، ایجاد روش‌های مناسب دستیابی به منابع مالی و فرصت‌های شغلی است. کمیته امداد امام خمینی (ره) در راستای توانمندسازی مددجویان برای خودکفایی، باید شرایط و امکانات لازم برای رشد و ارتقای مهارت‌های مددجویان را فراهم و به‌عنوان یک تسهیلگر، موانع و مشکلات موجود بر سر راه خودکفایی مددجویان را رفع کند. نقش کمیته امداد در اینجا، نشان‌دادن مستمر موانع، تعریف و تبیین الگوهای مناسب ارتباطی است. مسئولان کمیته در نقش مربی یا تسهیلگر، فراهم‌کننده اطلاعات مفید و بستر مشارکت، ارائه‌دهنده راهنمایی‌های عمومی و تسهیلگر برنامه‌ها براساس آموزه‌ها و تجربیات گذشته خود و دیگران‌اند. برنامه‌های تسهیلگری در همه زمینه‌ها مؤثر است، اما در زمینه آموزش و افزایش میزان دسترسی به منابع آموزشی و یادگیری، تأثیر بیشتری بر روند فقرزدایی در مناطق روستایی دارد. تم اصلی فقدان برنامه‌های تسهیلگری، از دو تم فرعی با عناوین نامناسب بودن کمی و کیفی برنامه‌های آموزشی، ترویجی و تبعیض در فرصت‌ها شناسایی شده است.

مددجوی شماره ۱۰ درباره اجرانشدن برنامه کارانگیزی

¹ Facilitating

جدول ۶- مفاهیم و تم‌های فرعی مرتبط با تم فقدان برنامه‌های تسهیلگری

Table 6- Concepts and sub-themes related to the theme of lack of facilitation programs

تم اصلی	تم فرعی	مفاهیم
فقدان برنامه‌های تسهیلگری	نامناسب بودن کمی و کیفی برنامه‌های آموزشی و ترویجی	فقدان کارانگیزی و ترویج فرهنگ کار برای خودکفایی برگزارنشدن کلاس‌های آموزشی معرفی نکردن مددجویان به کارایی‌ها فقدان استعدادسنجی شغلی از مددجویان تأمین نشدن فضای کسب‌وکار اطلاع‌رسانی نکردن مناسب درباره‌ی طرح‌ها توجه نکردن به مشاغل خرد و زودبازده باندا بازی در اختصاص وام‌ها
	تبعیض در فرصت‌ها	وجود رقابت بین مددجویان برای دریافت وام نبود عدالت در توزیع اقلام کمکی دسترسی نداشتن مردم روستا به امکانات آموزشی

اشتغال از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی است. با توجه به اینکه این پژوهش در مناطق روستایی انجام شده است و یکی از اهرم‌های اصلی کمیته امداد امام خمینی (ره) برای خودکفایی مددجویان، بحث اشتغال آنهاست، اهمیت اشتغال مددجویان ساکن روستا، از مهم‌ترین محورهای مصاحبه با آنها بوده است. بعد از بررسی مصاحبه‌های مددجویان، تم اصلی کمبود الگوهای بهینه اشتغال، از دو تم فرعی با عناوین نارسایی طرح‌های خوداشتغالی روستایی و هدف‌گذاری مقطعی و کوتاه‌مدت شناسایی شده است.

مددجوی شماره ۱۱ درباره‌ی نبود پشتیبانی، قبل و بعد از اعطای وام می‌گوید:

«کمیته وقتی وام می‌دهد، پیش‌بینی نمی‌کند که بعدش چه هزینه‌هایی دیگه‌ای داره یا چه چیزهایی نیاز هست که ما انجام بدیم که کارمون بهتر بگیره. فقط همون مبلغی که می‌دهد مهم است و نه آموزش».

مددجوی شماره ۱۸ بیان می‌کند:

«طرح‌های خوداشتغالی برای همه مناسب نیست. همه که نمی‌تونن دام نگه‌داری کنند یا کشاورزی کنند. طرح‌ها تنوع ندارد و با توجه به نیاز مددجویان، به اندازه کافی نیست. خیلی طرح‌ها توی روستا کاربرد ندارد و نیاز هر منطقه در نظر نمی‌گیرند».

مددجوی شماره ۴ درباره‌ی نبود اطلاع‌رسانی راجع به طرح‌های اشتغال‌زایی بیان می‌کند:

«اطلاع‌رسانی در مورد طرح‌ها ضعیف است. باید از طریق موبایل اطلاع‌رسانی کنند و مددجو را در جریان برنامه‌ها و طرح‌ها قرار بدهند و بگویند هرکی می‌خواهد مراجعه کند».

مددجوی شماره ۱۸ درباره‌ی تبعیض در فرصت‌ها بیان می‌کند:

«اکثر مددجویان وسیله نقلیه ندارند که به شهر بروند؛ مخصوصاً خانم‌ها یا دختران ما که به تنهایی نمی‌توانند هر روز به کمیته بروند یا در کلاس‌ها شرکت کنند، باید کلاس‌های آموزشی در روستای محل سکونت باشد، یا به خانه‌ها بیایند و مشاوره بدهند».

کمبود الگوهای بهینه اشتغال

مسئله اشتغال، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید در ارتباط با فقرزدایی در نظر گرفته شود. این موضوع بیان می‌کند که تأمین یا تأمین‌نشدن اشتغال نیروی انسانی، آثار مثبت و منفی بر چگونگی دستیابی به توسعه در هر کشور دارد؛ بنابراین روستاهای کشور با دارا بودن نیروی فعال زیاد، در توسعه اقتصادی کشور نقش مهمی دارند. در اقتصاد ایران،

جدول ۷- مفاهیم و تم‌های فرعی مرتبط با تم کمبود الگوهای بهینه اشتغال

Table 7- Concepts and sub-themes related to the theme of lack of optimal employment patterns

تم اصلی	تم‌های فرعی	مفاهیم
کمبود الگوهای بهینه اشتغال	نارسایی طرح‌های خوداشتغالی روستایی	مطابقت نداشتن طرح‌های خوداشتغالی با مهارت مددجویان
		نبود فرایند نیازسنجی شغلی مددجویان
		جذاب نبودن طرح‌ها به دلیل آگاهی نداشتن
	هدف‌گذاری مقطعی و کوتاه‌مدت	تنوع کم طرح‌های خوداشتغالی
		انحراف طرح‌های خوداشتغالی از هدف
		توجه نکردن به ظرفیت اشتغال مناطق روستایی
		توجه نکردن به کسب‌وکارهای جدید و نوین
		پشتیبانی نکردن از مددجو بعد از خودکفایی
		استمرار نیافتن کمک‌های کمیته در طول زمان
		مطالبه قسط بدون در نظر گرفتن درآمد
ترجیح کمک‌های نقدی به وام اشتغال		

کمیته امداد امام خمینی (ره) در راستای مسئولیت‌های خود برای ریشه‌کن کردن فقر در بین مددجویان تحت پوشش، سیاست‌های مختلفی را در مناطق روستایی اجرا کرده است، اما این سیاست‌ها به‌طور گسترده، تأثیر چشمگیری در از بین بردن فقر و خودکفایی مددجویان نداشتند و همچنان خانواده‌های بسیاری درگیر مشکلات مختلف‌اند. همان‌طور که در گفته‌های مددجویان و مطلعان مشخص بود، در برخی از حوزه‌ها مانند استقرار مؤسسات خیریه در مناطق روستایی و تهیه تجهیزات برای نوجوانان، عملکرد کمیته امداد مناسب بوده است، ولی در جنبه‌های دیگر مانند آموزش و اشتغال، عملکرد نامناسبی داشته است. خانواده‌های زیادی در زمینه تأمین مواد غذایی، مسکن، پوشاک و تأمین مایحتاج زندگی مشکل دارند و انتظار می‌رود کمیته امداد نیازهای اولیه مددجویان را تأمین کند. این یافته با پژوهش رکن‌الدین افتخاری و همکارانش (۱۳۹۲) همسو است؛ به این صورت که آنها بیان می‌کنند امداد رسانی‌های کمیته امداد در تمامی متغیرهای وضعیت فیزیکی مسکن، به تغییرهای معنادار در نزد مددجویان زیر پوشش منجر شده است و لزوم اقدامات بیشتر

مددکار شماره ۲ در ارتباط با انحراف طرح‌های اشتغال بیان می‌کند:

«متأسفانه انحراف در طرح‌های خوداشتغالی وجود دارد. بعضی از همکاران ما کم‌کاری می‌کنند و جلوی آن را هم نمی‌شود گرفت.»

مددکار شماره ۵ درباره ظرفیت اشتغال در روستا بیان می‌کند:

«از تمام ظرفیت اشتغال در روستاها استفاده نشده است و در زمینه ایجاد خیلی از شغل‌ها کمبود داریم. شغل‌های خدماتی و کارگاه‌های مختلف نداریم و نیاز است که یک نیازسنجی و بررسی مجدد در مورد ظرفیت اشتغال در روستاها انجام شود.»

مددجوی شماره ۲۳ درباره فرصت ناکافی پرداخت اقساط بیان می‌کند:

«برای پرداخت اقساط زمان کافی به ما ندادند و چون طرح اشتغال دامداری که گرفتیم، درآمد کافی برای ما نداشت و چون طرف حساب بانک بود و باید اقساط پرداخت می‌شد، کارایی لازم نداشت و فقط از تحت پوشش خارج شدیم.»

بحث و نتیجه

وجود دارد.

کمیته در زمینه‌های مختلف، مانند اشتغال و آموزش، عملکرد مطلوبی نداشته و از یکی از مهم‌ترین ابزارها برای خودکفایی مددجویان تحت پوشش، غفلت کرده است؛ در نتیجه به نرخ پایین خودکفایی مددجویان در سال‌های اخیر، افزایش بیش از حد تعداد مددجویان و ناتوانی سازمان در ارائه خدمات رسیده است. آمارها نشان‌دهنده افزایش تعداد مددجویان تحت پوشش است و در این میان، کمیته امداد نیز در تشخیص و تحقیق درباره شناسایی نیازمندان واقعی خوب عمل نکرده و دچار انبساط سازمانی، از حیث تعداد مددجویان شده است.

رکود اقتصادی و قرارگرفتن بسیاری از افراد جامعه در زیر خط فقر نیز، به این انبساط کمک کرده است. در سال‌های آینده، کمیته امداد باید سیاست کنترل استطاعت را در پیش بگیرد و شناسایی نیازمندان واقعی را به نحو مطلوب انجام دهد تا خدمات مناسبی را به نیازمندان ارائه کند. محمدپور و همکاران (۱۳۹۱) نیز در یک تحقیق، نتیجه‌گیری کردند که روند رو به افزایش سالانه تعداد افراد، که به هر دلیل خود را نیازمند می‌دانند، به سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد، نتیجه‌ای جز فربه‌شدن هر روزه این سازمان‌ها، افزایش سالانه پرونده‌ها، ازدحام مراجعان، کمبود پرسنل، افزایش تعداد شعبه‌ها، نارسایی اعتبارات و ترویج و تقویت فرهنگ فقر را به همراه خواهد داشت.

در زمینه توانمندسازی محرومان، ترویج روحیه کار و فراهم‌آوردن امکانات لازم برای خوداتکایی خانواده‌های نیازمند نیز، عملکرد این کمیته مطلوب نبوده است و به تلاش بیشتر با رعایت اصل عدالت و همچنین پشتیبانی بیشتر از سوی دیگر نهادهای دولتی نیاز دارد.

مشکلات خانوادگی و افزایش تعداد زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، یکی از دلایل رشد جمعیت محروم در جامعه بوده است که بعد از جدایی از همسر، درخواست تشکیل پرونده به کمیته امداد را می‌دهند. کمیته امداد نیز بدون هیچ قید و شرطی در راستای حمایت از آنها، با درخواست موافقت

می‌کند. گذشته از پذیرش نیازمندان که رسالت کمیته امداد است، این کمیته با ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌های اجتماعی و خانوادگی به خانوارهایی که سرپرست بد دارند، مشکلات آنها را به حداقل می‌رساند، زمینه ایجاد شغل و خودکفایی را در آنها فراهم می‌کند و به پذیرش صرف و ارائه خدمات به آنها اکتفا نمی‌کند. نتایج این تحقیق، با پژوهش شکور و همکاران (۱۳۹۵) همسو است که نشان دادند کمیته امداد اگرچه تا حدودی توانسته است در برخی از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌های رشد را در بین روستائیان تحت پوشش فراهم آورد، نتوانسته است فقر را در بین آنان به‌طور محسوسی کاهش دهد و یا از بین ببرد.

کمیته امداد سیاست‌های مختلفی را برای توانمندسازی مددجویان و خودکفایی آنها اجرا می‌کند که مهم‌ترین آنها اعطای وام اشتغال و ارائه آموزش‌های مهارت‌آموزی بوده است. فرایند اعطای وام‌ها نیز، با موانع بانکی متعددی مواجه است. در ابتدا عدالت و انصاف در تخصیص وام‌ها رعایت نمی‌شود و کسانی که یا خود سرشناس‌ترند یا کسی دیگر آنها را معرفی می‌کند، بیشتر در اولویت اخذ وام قرار می‌گیرند. فرایند اخذ وام نیز درگیر کاغذبازی و مناسبات اداری می‌شود و گاهی آن‌قدر زمان می‌برد که مبلغ وام، ارزش خود را از دست می‌دهد و بی‌مصرف می‌شود. این یافته به‌وضوح، لزوم تجدیدنظر کمیته امداد را در سیاست‌های وام‌دهی، به‌ویژه در زمینه اشتغال‌زایی نشان می‌دهد.

آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای برای رشد مهارت‌ها و استعداد نهفته مددجویان تحت پوشش، پیش‌نیاز ایجاد اشتغال است. قبل از اعطای وام‌های خوداشتغالی، باید فرایند نیازسنجی شغلی مددجویان تحت پوشش انجام شود تا مشخص شود که چه استعدادهای شغلی بین مددجویان وجود دارد و آنها به چه آموزش‌هایی نیاز دارند. بعد از آن باید آموزش‌های شغلی مناسبی به مددجویان داده شود تا طرح‌های خوداشتغالی انحراف نیابد و کارایی لازم را برای خودکفایی و ایجاد درآمد برای مددجویان، داشته باشد. فیرمن (۲۰۰۴) پنج

شوند و این امر میسر نمی‌شود، مگر آنکه روش‌های پیشین کاهش فقر را تغییر دهیم که با نگاه از بالا به پایین یا از بیرون به درون، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا می‌شد. همچنین باید خواست و نیازهای بلافصل مددجویان را محور تصمیم‌گیری و ارائه برنامه‌ها قرار دهیم تا به این ترتیب، حداکثر مشارکت اجتماعی برای طراحی و اجرای برنامه‌های کاهش فقر، جلب شود. نتایج پژوهش محمدخانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان می‌دهد توانمندسازی از طریق طرح خودکفایی، مستلزم ایجاد و تقویت روحیه خودباوری و ایجاد انگیزه در مددجویان، توجه به امر آموزش، به‌ویژه آموزش‌های کسب مهارت و مشارکت اجتماعی برای ایجاد اشتغال پایدار است که در نهایت به کاهش فقر و توانمندشدن مددجویان و قطع وابستگی به نهادهای حمایتی منجر می‌شود.

نرخ پایین خودکفایی و خروج مددجویان از تحت پوشش کمیته امداد، نشان می‌دهد کمک‌ها و حمایت‌های کمیته، تأثیر چندانی در استقلال مالی مددجویان نداشته است. این موضوع در تم بی‌ثباتی اقتصاد کلان و ساختار اقتصادی بی‌ثبات، خود را به‌وضوح نشان داده است. از یک‌طرف با وجود افزایش قیمت‌ها در بازار، میزان کمک‌های نقدی کمیته، کفاف تأمین مایحتاج روزانه مددجویان را نمی‌دهد، چه برسد به اینکه مددجو با این کمک‌ها استقلال مالی پیدا کند. در واقع شرایط تورمی کشور، اثر هرگونه کمک مالی برای خروج از فقر در بلندمدت را خنثی می‌کند. تأثیرگذار نبودن کمک‌های مالی کمیته باعث می‌شود مددجویان امیدی به بهبود شرایط نداشته باشند، برای رفع نیازهای خود از اطرافیان، کمک بخواهند. در واقع نقش کمیته امداد در ارتقای وضعیت رفاهی مددجویان، کم‌رنگ بوده است. نتایج تحقیق محترم و همکاران (۱۳۹۴) نیز بیانگر این است که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر استقبال مددجویان از طرح‌های اشتغال‌زا، شامل آگاهی مددجو از وجود طرح، تجربه خوب دیگر مددجویان، مناسب بودن مدت بازپرداخت وام اشتغال، اعتماد و اطمینان مددجو نسبت به پرداخت وام، رسیدن به خودکفایی در زمان

سطح را برای مدل توانمندسازی خود ارائه می‌کند که آموزش، اولین سطح آن است. در آموزش به مردم آموخته می‌شود تا خود مجری ارزشیابی‌هایشان باشند، برعکس ارزشیابی‌هایی که ذی‌نفعان در برنامه اجرا می‌کنند. به عبارتی مقوله آموزش، نحوه بروز توانمندی‌های افراد است، به نوعی که فرد ضمن مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌ها، طراح و اجراکننده باشد.

کمیته امداد در زمینه تسهیلات اشتغال‌زایی، با کمبودهایی از قبیل فقدان کارآنگیزی برای ترغیب مددجویان به کار، برگزارنشده کلاس‌های آموزشی افزایش مهارت، معرفی نکردن مددجویان به کارفرمایان برای استفاده از آنها، تأمین‌نشدن فضای کسب‌وکار مناسب برای ایجاد شغل، توجه نکردن به مشاغل خانگی و زودبازده مواجه است و به توجه جدی مسئولان برای رفع این موانع نیاز دارد. کمیته امداد در برنامه‌های اشتغال‌زایی در مناطق روستایی، تأکید زیادی بر مشاغل کشاورزی و دامی می‌کند و دیگر پتانسیل و ظرفیت‌های اشتغال را در این مناطق به حاشیه می‌کشد. این در حالی است که با توجه به کاهش منابع آبی در سال‌های اخیر در منطقه، دیگر فعالیت‌های کشاورزی درآمدزا نیستند و جذابیت کافی برای شروع یک شغل جدید را ندارند.

با توجه به نحوه زیست و فعالیت‌های تولیدی در مناطق روستایی، ایجاد امکانات اشتغال در کنار فعالیت‌های کشاورزی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در تدوین هر برنامه‌ای برای مددجویان، باید به دیدگاه‌های آنها توجه شود و به‌خصوص اینکه مددجویان در امر اشتغال در مناطق روستایی، ظرفیت‌ها، نیازها و زمینه‌های شغلی خود را مطرح و مسئولان کمیته امداد، برنامه‌های خود را براساس آن تدوین کنند، نه اینکه بر آنها تحمیل شود. وقتی مصاحبه‌شوندگان می‌گویند طرح‌های خوداشتغالی در روستاها تنوع کافی ندارد و برای همه افراد مناسب نیست، دقیقاً توجه به رویکرد جماعت‌محور را ضروری می‌کنند که معتقد است برنامه‌های کاهش فقر، تنها وقتی مؤثر خواهد بود که مردم اجتماع‌های محلی، خود به سرمایه‌گذاری و کاربرد منابع درونی متعهد

کوتاه، رضایت از روند آسان دریافت وام‌های اشتغال و ایجاد مهارت‌های کارآفرینانه در مددجو بودند که این موارد در بین مددجویان مطالعه شده وجود نداشت.

یکی دیگر از موانع تأثیرگذار در برنامه‌های فقرزدایی، مربوط به خود مددجویان و پذیرش فرهنگ فقر به وسیله آنهاست. نظریه فرهنگ فقر بر این مبناست که تطبیق با شرایط ساختاری و اقتصادی فقر، ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی انحرافی را ترویج می‌دهد که به سهم خود، موانعی برای غلبه بر فقرند. زمانی که یک فرهنگ فقر ظهور پیدا می‌کند، به واسطه انتقال ویژگی‌هایش به نسل آینده، بازتولید می‌شود. چنین چشم‌اندازی، به این نتیجه‌گیری منجر می‌شود که قدرت راه‌حل‌های اقتصادی برای پایان دادن به فقر، محدودند. برخلاف دیدگاه نهادی به فقر، که ساختارهای جامعه را عامل ایجاد فقر و مانعی بر راه فقرزدایی می‌دانند، دیدگاه فرهنگی، شکل‌گیری فرهنگ فقر را در بین فقرا، یک مانع مؤثر برای غلبه بر شرایط فقر می‌داند؛ بنابراین برای اجرای برنامه‌های فقرزدایی، نیاز است که ابتدا نوع تفکر و ذهنیت مددجویان را در ارتباط با توانایی‌ها، شرایط خود با آموزش‌ها و مشاوره‌های روانی تغییر دهید و آنها را آماده پذیرش مسئولیت و ایجاد شغل کنید؛ زیرا در غیر این صورت، برنامه‌های فقرزدایی بلااستفاده خواهند ماند. این یافته، با رویکردهای ارتباطی با فقر همخوانی زیادی دارد، چنان‌که در این تحقیق دیده شد برداشتی که مددجویان از قضاوت مردم دارند- فارغ از درستی یا اشتباه بودن آن- یکی از موارد ایجادکننده مانع برای انجام فعالیت و استفاده از خدمات کمیته امداد برای برون‌رفت از چرخه فقر است. نظریه پردازان کنش متقابل نمادین نیز بیان می‌کنند که چون مردم همواره خود را در آینه قضاوت دیگران می‌بینند، بنابراین ارزیابی و قضاوت دیگران نقش مهمی در تصویر «فقرپنداری» افراد از خود دارد؛ پس علت فقر را باید در خود افراد جست‌وجو کرد. از نظر این جامعه‌شناسان، برای زدودن و یا کاهش فقر، باید در جهت تغییر رفتار و ارزش‌های فقرا گام برداشت.

کمبود منابع و بودجه کمیته امداد نیز، یکی دیگر از موانع است که هم خود مددجویان و هم مسئولان کمیته امداد به آن واقف‌اند. برای تأمین منابع مالی موردنیاز، باید تعامل مناسبی با دیگر نهادهای دولتی برقرار و اقدامات مؤثری در جذب مشارکت‌های مردمی و سازمان‌دهی خیران انجام شود تا یاری‌کننده کمیته امداد برای انجام وظایف خطیر خود باشد.

نتایج این تحقیق، با نتایج تحقیق سلیمی گل شیخ (۱۳۹۷) همسو است که نتیجه‌گیری می‌کند مهم‌ترین موانع و چالش‌های اجرای موفق طرح‌های اشتغال‌زایی، به ترتیب اثر، موانع اقتصادی و زیرساختی، موانع بانکی و پولی، مشکلات پشتیبانی، موانع آموزشی و موانع روان‌شناختی است.

این پژوهش در مناطق روستایی شهرستان تنگستان، واقع در استان بوشهر انجام شده است و جمعیت متنوعی از مددجویان و مطلعان کمیته امداد در آن مشارکت داشته‌اند. با توجه به اینکه پژوهشگر با حضور در منزل مددجویان، از نزدیک شاهد مشکلات و مسائل مختلف مددجویان بوده است، عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) با وجود تمام تلاش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر، در راستای خروج مددجویان از تحت پوشش و فقرزدایی آنها مطلوب نبوده است. مهم‌ترین نتیجه‌ای که از این تحقیق گرفته می‌شود، این است که تأیید رویکرد رابطه‌ای است که در آن به عوامل ساختاری، خرد و عاملیتی توجه می‌شود؛ اما باید اذعان داشت که براساس اطلاعات به دست آمده در این تحقیق، عوامل ساختاری تأثیر بسیار جدی‌تری در موفقیت و یا ناکامی سیاست‌های فقرزدایی دارند.

منابع فارسی

ادیبی سده، م.، و بهشتی، س. ص. (۱۳۸۹). رابطه میان کنش مؤثر فردی با فقر رفاه اجتماعی. *رفاه اجتماعی*. ۱۰ (۳۹)، ۳۹۱-۴۲۰.

اساس نامه کمیته امداد امام خمینی (ره). (۱۳۹۴). *پایگاه اینترنتی*

کمیته امداد. در دسترس: <https://portal.emdad.ir>

- افروغ، ع. (۱۳۷۹). چشم‌اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه. تهران: فرهنگ دانش.
- پتربیک، ف. (۱۳۸۱). نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟ ترجمه هرمن همایون‌پور، تهران: نشر گام نو.
- ثقفی، م.؛ روان‌شناس، ع. و پهلوانی‌نیا، ز. (۱۳۹۳). بررسی عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) در فقرزدایی، اشتغال‌زایی و توسعه روستایی، مورد مطالعه: دهستان تیمورآباد شهرستان هامون. همایش ملی توسعه پایدار روستایی در افق ۱۴۰۴ اصفهان، شرکت توسعه سازان گردشگری اصفهان.
- جباری، ح. (۱۳۸۴). رویکردهای اجتماع‌مدار در برنامه‌های کاهش فقر، رفاه اجتماعی، ۵ (۱۸)، ۲۹۸-۲۶۳.
- حسینی، د.؛ مدنی، س. ا.، و گودرزی، ع. (۱۴۰۱). سالنامه آماری ۱۴۰۱ کمیته امداد امام خمینی (ره). مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره).
- حسینی، س.؛ ملکی مقدم، ا.؛ مدنی، ا.؛ قربانی، ا.؛ برغانی، ح. و گودرزی، ع. (۱۳۹۸). سالنامه آماری ۱۳۹۸ کمیته امداد امام خمینی (ره). مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره).
- رکن‌الدین افتخاری، ع.؛ پورطاهری، م. و میرجلالی، ا. (۱۳۹۲). نقش نهاد خیریه ای کمیته امداد در بهبود کیفیت فیزیکی مسکن مددجویان تحت پوشش روستایی مورد مطالعه: بخش کندوان شهرستان میانه. نشریه جغرافیا و توسعه، ۱۱ (۳۳)، ۲۶-۱.
- سلطانی، ش. و سلطانی، س. (۱۳۸۴). کارکرد علم روان‌شناسی در باب مقوله فقر. امداد پژوهان، ۳ (۹)، ۱۸-۹.
- سلیمی گل شیخ، م. (۱۳۹۷). ارزیابی اثربخشی طرح‌های اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار روستایی تحت پوشش (منطقه مورد مطالعه: روستاهای شهرستان فریمان). پایان‌نامه دانشگاه فردوسی مشهد.
- شادی‌طلب، ژ. و حجتی کرمانی، ف. (۱۳۸۶). فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی، رفاه اجتماعی، ۷ (۲۸)، ۵۶-۳۵.
- شکور، ع.؛ شمس‌الدینی، ع. و جوادی حقیقی، ا. (۱۳۹۵). سنجش عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی با تأکید بر پارامترهای توسعه (مورد مطالعه: شهرستان شیراز). مطالعات محیطی هفت حصار، ۵ (۱۷)، ۶۳-۷۲.
- شهیدی، ز. و کاویانی، ز. (۱۴۰۰). پایش فقر در سال ۱۳۹۹، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- غفاری، غ. و تاج‌الدین، م. (۱۳۸۴). شناسایی مؤلفه محرومیت اجتماعی، رفاه اجتماعی، ۴ (۱۷)، ۱-۲.
- قانع‌راد، م. (۱۳۸۴). برنامه‌های کاهش فقر و نابرابری در ایران، رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران. رفاه اجتماعی، ۱۸، ۲۶۲-۲۲۳.
- کانپور، ر. و لین، ا. (۱۳۸۲). تطور تفکر درباره فقر: کشف کنش‌های متقابل در پیشگامان اقتصاد توسعه. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.
- کاویانی، ز.؛ پهلوان، م. و بیرجندی، م. (۱۴۰۲). وضعیت فقر و ویژگی‌های فقر در دهه گذشته (دهه ۹۰). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کتابی، ا. (۱۳۹۰). درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلیتون، ا.؛ اوکلی، پ. و پرات، ب. (۱۳۸۳). توانمندسازی مردم؛ راهنمایی برای مشارکت. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- گیدنز، آ. و بردسال، ک. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر نی.
- محترم، س.؛ محبوبی، م. و عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۴). نقش نهادهای حمایتی در توسعه کارآفرینی: مطالعه طرح‌های

- Clayton, A., Oakley, P., & Pratt, B. (2007). *Empowerment of people*. Translated by Pirouz Ezadi, Village and Development Publication Series. [In Persian]
- Constitution of the Imam Khomeini Relief Committee (RA). (2015). *Relief committee internet base*. Available at: <https://portal.emdad.ir>. [In Persian]
- Daforsa, F., & Handra, H. (2019). *Analysis of village fund management in poverty alleviation at Pasaman Regency, West Sumatra*. Faculty of Education and Teacher Training, Jambi University.
- Farmer, P.E., Bruce, N., Sara, S., & Salmaan, K. (2006). Structural violence and clinical medicine. *PLoS Med*, 3 (10), 449.
- Farnillah, A. N., & Bambang, C. (2023). Poverty alleviation efforts in indonesia and challenges in the perspective of the sustainable development goals: a narrative literature review. *Open Access Indonesia Journal of Social Sciences*, 6(2), 926-935.
- Farrokh, T. (2001). Women empowerment. *Cooperative Magazine*, 119, 577-593.
- Ghaffari, G., & Tajedin, M. B. (2005). The enquiry of social deprivation dimensions. *Refahj*. 5(17), 33-56. [In Persian]
- Ghaneirad, M.A. (2005). Social development approach to poverty reduction programs (With a glance to forth development plan). *Refahj*. 5(18), 223-262. [In Persian]
- Giddens, A., & Birdsall, K. (2018). *Sociology*. Translated by Hasan Chavoshian, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Hasani, D., Madani, S.A., & Guderzi, A. (2022). *Statistical annual 2022 of Imam Khomeini Relief Committee*. Planning and Research Center of Imam Khomeini Relief Committee (RA). [In Persian]
- Hosseini, S., Maleki Moghadam, A., Madani, A., Ghorbani, A., Barghani, H., & Guderzi, A. (2019). *Statistical annual 2019 of Imam Khomeini Relief Committee*. Planning and Research Center of Imam Khomeini Relief Committee (RA). [In Persian]
- Jabari, H. (2005). Community-oriented approaches in poverty alleviation programs. *Social Welfare*, 18, 263-298. [In Persian]
- Kanbur, R., & Lin, A. (1382). *The evolution of thinking about poverty: exploring interactions in the pioneers of development economics*. Translated by Gholamreza Azad Aramaki, Tehran: Nei Publishing. [In Persian]
- Kaviani, Z., Pahlani, M., & Birjandi, M. (1402). *The state of poverty and the characteristics of the poor in the last decade (90s)*. Islamic Council Research Center. [In Persian]
- Ketabi, A. (2011). *Introduction to the ideas and theories of demography*. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- King, A. (2000). Thinking with bourdieu against اشتغال‌زای کمیته امداد امام خمینی (ره). نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۲(۴)، ۹۲-۷۵.
- محمدپور، ا.؛ بوستانی، د. و علیزاده، م. (۱۳۹۱). ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهر ساری. رفاه اجتماعی، ۱۲، ۴۰۶-۳۶۵.
- محمدخانی، م.؛ بهرامیان، ر. و دلیل‌گو، س. (۱۳۹۰). بررسی موانع توانمندسازی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) از طریق طرح‌های خودکفایی در استان اصفهان. همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره)، اصفهان.
- مدنی قهفرخی، س. (۱۳۹۶). ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران. تهران: انتشارات آگاه.
- نیازی، م. و عشایری، ط. (۱۳۹۵). داغ فقر (فقر به مثابه داغ اجتماعی). تهران: نشر نی.
- نیکبخت، م. (۱۳۹۹). بررسی اثرات کمیته امداد حضرت امام (ره) بر اشتغال‌زایی و رفع محرومیت در روستاها. تخصصی نور، ۲۵، ۱۱۳-۱۳۸.
- وبلن، ت. (۱۳۸۶). طبقه تن‌آسا. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

References

- Adibi Sedeh, M., & Beheshti, S.S. (2011). Role of human agency in explaining poverty. *Refahj*, 10(39), 391-420. [In Persian]
- Afrogh, A. (2000). *A theoretical perspective on class analysis and development*. Tehran: Farhang Danesh, p. 70. [In Persian]
- Imawan, S. A., & Purwanto, E. A. (2020). Governing village fund in indonesia: Is it eradicating poverty?. *Policy & Governance Review*, 4(1), 14-27.
- Ajor, O. J., Akintola, A., & Okpa, J. T. (2023). United nations development programme (undp) and poverty alleviation in cross river state north senatorial district, nigeria. *Global Journal of Social Sciences*, 22(1), 49-61.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>

- of Cooperation, Labor and Social Welfare. [In Persian]
- Shakur, A., Shamsaldini, A., & Javadi Haghigi, A. (2016). Performance measurement of Relief Committee in relieving poverty in rural areas, with emphasis on development parameters (Case Study: The City of Shiraz). *Haft Hesar Environmental Studies Quarterly*, 5(17), 63-72. [In Persian]
- Soltani, S., & Soltani, S. (2005). The function of psychological science regarding the category of poverty. *Emdad Pejohan Quarterly*, 3(9), 9-18. [In Persian]
- Thaghafi, M., Ravanshenas, A., & Pahlavaniya, Z. (2014). *Reviewing the performance of the Imam Khomeini (RA) relief committee in poverty alleviation, job creation and rural development study of Timur Abad of Hamon city*. National Conference on Sustainable Rural Development in Horizon 1404, Isfahan, Isfahan Tourism Developers Company. [In Persian]
- Veblen, T. (2007). *The theory of the leisure class*. Translation by Ershad Farhang, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- ZhiGuo, Y., Zhou, Y., & SuiLiu, Y. (2019). Targeted poverty alleviation and its practices in rural China: A case study of Fuping county. Hebei Province. *Journal of Rural Studies*, 93, 430-440.
- bourdieu: A practical. *Critique of the Habitus, Sociological Theory*, 18 (3), 417-433.
- Madani Ghafarakh, S. (2016). *The necessity of fighting the phenomenon of poverty and inequality in Iran*. Tehran: Aghah Publications. [In Persian]
- Mohammadkhani, M., Bahramian, R., & Dalil Gu, S. (2011). *Investigation of obstacles to the empowerment of clients covered by the Imam Khomeini (RA) Relief Committee through self-sufficiency projects in Isfahan Province*. National empowerment conference with the approach of economic jihad in the Imam Khomeini Relief Committee (RA), Isfahan. [In Persian]
- Mohammadpur, A., Boostani, D., & Alizadeh, M. (2012). Qualitative evaluation of organizational actions of committee emdad and behzisti toward the poverty- alleviation among caretaker women in sari township. *Refahj*, 12(46), 365-406. [In Persian]
- Mohtaram, S., Mahboobi, M., & Abdoghazade, G. (2016). Role of supportive institutions on development of entrepreneurship: a study on job creation plans of imam khomeini relief foundation. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 2(4), 75-92. [In Persian]
- Niazi, M., & Ashairi, T. (2015). *The stigmat of poverty (poverty as a social Stigmat)*. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Nikbakht, M. (2019). Investigation of the effects of the Imam's Relief Committee on job creation and elimination of deprivation in villages. *Specialized Journal of Light*, 25, 113-138. [In Persian]
- Patrick, F. (2002). *Welfare theory*. Translated by Hormoz Homayunpour, Tehran: Game No Publishing. [In Persian]
- Robyns, I. (2002). *Understanding sen's capability approach*. Cambridge CO Wolfron College.
- Roknuddin Eftekhari, A., Portahari, M., & Mirjalali, A. (2012). The role of the relief committee's charitable institution in improving the physical quality of the housing of the beneficiaries under rural coverage, Case: Kandavan section of Midane city. *Journal of Geography and Development*, 11(33), 1-26. [In Persian]
- Salimi Gol Sheikh, M. (2017). *Evaluating the effectiveness of the Imam Khomeini Relief Committee's job creation projects in empowering women heads of covered rural households (Study Area: Villages of Freeman City)*. Dissertation of Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Sen, A. (1999). *Commodities and capabilities*. OUP Catalogue.
- Shaditalab, Z., & Hojjati Keramani, F. (2008). The relation of social capital with poverty. *Refahj*. 7(28), 35-56. [In Persian]
- Shahidi, Z., & Kaviani, Z. (2021). *Poverty monitoring in 2019, Office of Social Welfare Studies*. Ministry

